

بررسی تطبیقی نقش میانجی هویت شهری و هویت محله در تأثیر کالبد شهری بر فرهنگ شهروندی در شهرهای کاشان و یاسوج

فرشاد فلاحتی^۱، رسول حیدری سورشجانی^۲، محمد گنجی^۳

چکیده

امروزه مبحث هویت شهری و محله‌ای از مسائل مهم شهرها است. کم‌توجهی به مؤلفه‌های هویتی شهرها در شرایط کنونی باعث عدم مشارکت شهروندان در فعالیتهای اجتماعی و پایین بودن احساس تعلق مکانی شده است و از نتایج این امر، موجب تضعیف بسیاری از رفتارهای شهروندان است. در این بین، کیفیت ویژگی‌های کالبد شهر بر زیست ساکنان تأثیر دارد. در این راستا پژوهش حاضر در پی بررسی تطبیقی نقش میانجی هویت شهری و هویت محله در تأثیر کالبد شهری بر فرهنگ شهروندی در شهرهای کاشان و یاسوج است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و اطلاعات با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری شد. حجم نمونه با محاسبه فرمول کوکران ۳۸۴ پرسشنامه و به تناسب جمعیت جامعه آماری، برای شهر کاشان ۲۶۶ نفر و شهر یاسوج ۱۱۸ نفر توزیع گردید. نتایج نشان داد که در میان شاخص‌های کالبد شهری عامل (مبلمان، معابر و خوانایی شهر) در شهر کاشان با وزن ۰/۹۳ و عامل حمل‌ونقل شهری در شهر یاسوج با وزن ۰/۸۱ و در بین شاخص‌های فرهنگ شهروندی به صورت مشترک عامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شهر کاشان با وزن ۰/۸۱ و در شهر یاسوج با وزن ۰/۷۹ بیشترین بارهای عاملی به خود اختصاص داده‌اند. همچنین بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی در شهر

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه جغرافیا و گردشگری، دانشگاه کاشان، ایران

farshad.falahati1991@gmail.com

^۲ استادیار گروه جغرافیا و گردشگری، دانشگاه کاشان، ایران (نویسنده مسئول)

rasol_heidary@kashanu.ac.ir

^۳ دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

m.ganji@kashanu.ac.ir

تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۱۰/۸

تاریخ وصول ۱۴۰۲/۶/۲۶

کاشان ۰/۳۳ و در شهر یاسوج ۰/۲۱ رابطه معناداری وجود دارد. در همین رابطه متغیر هویت شهری با میانجی‌گر کامل و متغیر هویت محله با میانجی‌گر جزئی در شهرهای کاشان و یاسوج را توانسته‌اند نقش ایفا نمایند.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ شهروندی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مشارکت اجتماعی، هویت شهری، هویت محله.

مقدمه و طرح مسئله

شهر با دارا بودن ویژگی‌های منحصربه‌فرد و قوت و ضعف در عناصر مشترک میان شهرها برای خود هویتی می‌سازد که موجب خاص بودن، تداعی خاطره و افزایش حس تعلق خاطر در میان شهروندان می‌شود. بناها، مکان‌ها، تاریخ، محیط طبیعی و فعالیت‌های شهروندان به همراه فضای اجتماعی و فیزیکی به هویت شهری شکل می‌دهند (کایاپاک^۱، ۲۰۱۰: ۳۷۴) و هویت شهر، طی یک دوره زمانی طولانی با ویژگی‌های جغرافیایی، سطح فرهنگی، معماری، آداب و رسوم و سنت‌های محلی و سبک زندگی شکل می‌گیرد (اونگول^۲، ۲۰۱۲: ۲۸۵). در این بین؛ تغییر و تحولات زندگی در شهرهای امروزی، موجب کم‌رنگ شدن و یا از دست رفتن بسیاری از فضاهای شهری و عملکردهای اجتماعی و فرهنگی آنها شده است. تغییراتی که اغلب، احساس عدم تعلق، بی‌هویتی و عدم مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی را به دنبال دارد (ترکاشوند و همکاران، ۱۳۹۶: ۵). همچنین در شهرها نقشی که محله‌ها در این عصر جدید بازی می‌کند تغییر کرده است. همان‌گونه که در گذشته (محله) از طریق مکان‌های عمومی مرکزی مشخص می‌شدند که کانون تشکیل جلسات سنتی مثل بازار یا میدان شهر بودند، این اماکن، محل ملاقات دوستان و همسالان بودند، اما امروزه فن‌آوری ارتباطات در همه‌جا، چالش‌هایی را در جهت شناخت مطلوب، (مکان عمومی) به وجود آورده است (فوث^۳، ۲۰۰۴: ۸-۹). در واقع از نگاه جغرافیایی، هویت شهر یا محله در پیوند تمامی عناصر کالبدی و غیر کالبدی شهر شکل می‌گیرد و عنصری می‌تواند نقشی هویت‌ساز برای محله ایفا کند که در وهله اول مرتبط با نیازهای ساکنین و در گام بعدی مطابق با الگوها و کارکردهای

^۱ Kayapak

^۲ Ongul

^۳ Foth

محله باشد. ایفا نمودن چنین نقشی در بستر محله، منجر به متمایز شدن محله و درنهایت هویت یافتن آن می‌شود (جهانی دولت‌آباد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۵).

بنابراین امروزه محیط‌های شهری به‌دوراز هویت انسانی بررسی می‌شوند. کاهش دلبستگی ساکنین به شهر و عدم تعلق خاطر آنها، منجر به از بین رفتن بسترهای زندگی جمعی و کاهش حضور گروه‌های اجتماعی در سطح شهر می‌شود و مشکلات روزافزون شهرها، علاوه بر مسائل کالبدی، فیزیکی، ترافیکی و غیره بر روی رفتارهای اجتماعی شهروندان اثرگذار است (حبیبی، ۱۳۷۹: ۲۳). همان‌طور که فضاهای شهری یکی از تأثیرگذارترین عوامل در هدایت الگوهای رفتار فردی و اجتماعی افراد هستند. تمامی رفتارهای انسان در فضاهای معینی شکل می‌گیرد که بستر رفتار به شمار می‌آیند (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۹) و محیط کالبدی شهر می‌تواند بر رفتار، اخلاق و فرهنگ شهروندان اثر گذارد؛ یعنی رفتارهایی را تضعیف یا تشویق نماید (پاکزاد، ۱۳۹۱: ۵۴). محیط و رفتار آن‌قدر درهم‌تنیده شده‌اند که به‌سختی می‌توان آنها را از هم تفکیک کرد. تفکیک‌ناپذیری آنها نه‌فقط بر مبنای این گفته مرسوم که (محیط بر رفتار تأثیر می‌گذارد) بلکه به این دلیل است که نمی‌توان رفتار را مستقل از رابطه درونی آن با محیط درک کرد و اینکه رفتار را باید در بستر محیطی تعریف کرد (آلمن و وولویل^۱، ۲۰۱۲: ۲۵۲)؛ بنابراین محققان بسیاری در راستای درک عوامل و علت‌های بروز رفتارهای پایدار شهروندان تحقیق کرده و نتایج برخی از این تحقیقات، به‌عنوان مدل و الگو ارائه شده که به پاسخ‌های رفتاری کاربران وابسته است (فورنارا^۲ و همکاران، ۲۰۱۶: لین^۳، ۲۰۱۵). امروزه منتقدان معتقدند که این تحقیقات عمدتاً از عوامل ساختاری که باعث شکل‌گیری و زیربنای رفتار می‌شوند غافل‌اند، ظرفیت تحول‌پذیری آنها محدود است (گیلز^۴ و همکاران، ۲۰۱۸: گوگینز^۵، ۲۰۱۸؛ ساهاکیان و دویگنی^۶، ۲۰۱۹). بدیهی است که رفتار انسان تنها به ذهنیت او بستگی ندارد. بسیاری از عوامل زمینه‌ای ممکن است رفتار را

¹ Altman & Wohlwill

² Fornara

³ Lin

⁴ Geels

⁵ Goggins

⁶ Sahakian & Dobigny

تسهیل یا محدود کنند و بر انگیزه‌های فردی برای انجام آن رفتار تأثیر بگذارند (توگرسن^۱، ۲۰۰۵)؛ بنابراین نه تنها در نظر گرفتن عوامل درون فردی مانند نگرش‌ها، هنجارها و عادت‌ها، بلکه عوامل زمینه‌ای مانند زیرساخت‌های فیزیکی، امکانات فنی، در دسترس بودن و ویژگی‌های محصول یا محیط نیز مهم است (مانینگ^۲، ۲۰۰۹).

حیات مدنی شهر از سه رکن اصلی کالبد شهر، شهروند و مدیریت شهری تشکیل شده و لزوم همکاری و تعامل این سه رکن، بیش‌ازپیش آشکار می‌شود (پاپلی یزدی و رجبی، ۱۳۸۶: ۵۱) در این راستا ضرورت تحقق شهروندی در سطوح محلی و شهری به‌عنوان یکی از چالش‌های کنونی نظام‌های مدیریت شهری و برنامه‌ریزی است و عوامل شکل‌دهنده به مفهوم شهروندی، مؤلفه‌های همچون مشارکت شهروندی در اداره امور محلی و شهری، حقوق و وظایف شهروندان هستند (افشارکهن و ناجی‌مهر، ۱۳۹۳: ۲۹). شهروندی به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم پیشرفت و توسعه کشورها است. یکی از ابعاد مهم شهروندی، فرهنگ شهروندی است. ایجاد، گسترش و تعمیق فرهنگ و اخلاقیات شهروندی، می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مسائل شهری و اجتماعی باشد که کشورهای درحال توسعه با آن مواجه‌اند (همتی و احمدی، ۱۳۹۳: ۱۳۹). وجود یک فرهنگ شهروندی مناسب برای اصلاح رفتار شهروندان و حل مسائل شهری ضروری است (فاضلی، ۱۳۸۶: ۲)؛ بنابراین، فرهنگ شهروندی ارتباط بسیار زیادی با زندگی اجتماعی افراد جامعه دارد (بخارایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۹) به‌گونه‌ای که رعایت فرهنگ شهروندی در افزایش تعهد مدنی، اعتمادپذیری، احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مشارکت اجتماعی، قانونمند بودن شهروندان مؤثر است (شربتیان، ۱۳۸۷: ۱۲۰) بر این اساس، توجه به ویژگی‌های کالبدی محیط شهری جنبه اساسی مطالعات شهری است. با وجود مشارکت‌های نظری فراوانی که تعامل بین فضا و پدیده‌های اجتماعی را از منظر نظری بررسی می‌کنند، امروزه هنوز شاهد عدم وجود تأمل تجربی کلی در مورد این موضوع هستیم. دلیل اینکه چرا ما بر ابعاد فرهنگ شهروندی جامعه متمرکز شده‌ایم، نیاز به بررسی نقش محیط شهری در تأثیرگذاری بر تمایل ساکنان به رفتار فردی و اجتماعی در فعالیت‌های محلی است و به‌عنوان مثال، مشارکت اجتماعی یک پدیده اجتماعی است

¹ Thogersen

² Manning

که در یک جامعه از نظر فضایی رخ می‌دهد. از آنجایی که زندگی در یک شهر به معنای تعامل با میزان بالایی از پیچیدگی فیزیکی یا اجتماعی است و ما از قبل می‌دانیم که کیفیت محیط زندگی تا چه حد بر رفاه تأثیر می‌گذارد، ممکن است جالب باشد که چگونه ویژگی‌های یک محیط شهری، مانند مورفولوژی محله‌ها، بر نحوه عمل و مشارکت مردم در توسعه محلی تأثیر می‌گذارد (بوتینی^۱، ۲۰۱۸: ۱۰۸).

در همین راستا پژوهش حاضر به بررسی و مقایسه نقش میانجی هویت شهری و هویت محله در تأثیر کالبد شهری بر فرهنگ شهروندی در شهرهای کاشان و یاسوج پرداخته شده است. از دلایل بررسی این موضوع پژوهشی مسئله مهم فرهنگ شهروندی است که آیا کالبد شهری توانسته تأثیر خود را بر فرهنگ شهروندی شهرهای ذکر شده داشته باشد و با توجه به اینکه شهر کاشان دارای بافت تاریخی و قدیمی در کنار بافت جدید است و در مقابل شهر یاسوج نوبنیاد بوده و بافت دارای ارزش تاریخی ندارد و با وجود اینکه پژوهش‌های بسیاری درباره شاخص‌های هویت شهری و هویت محله از جنبه‌های مختلف پرداخته شده است و با توجه به پیشینه تحقیق و با در نظر گرفتن اینکه در مطالعات انجام شده، به‌طور خاص به نقش میانجی هویت شهری و هویت محله در تأثیر کالبد شهری بر فرهنگ شهروندی بررسی نشده و در این پژوهش به این موضوع پرداخته می‌شود.

سؤال پژوهش: تأثیر کالبد شهری بر فرهنگ شهروندی در شهرهای کاشان و یاسوج به چه میزان است؟

اهداف کلی پژوهش: نقش میانجی هویت شهری و هویت محله در تأثیر کالبد شهری بر فرهنگ شهروندی در شهرهای کاشان و یاسوج

اهداف جزئی پژوهش

- بررسی تأثیر کالبد شهری بر قانون‌گریزی و قانون‌گرایی در شهرهای کاشان و یاسوج
- بررسی تأثیر کالبد شهری بر رفتار زیست‌محیطی شهروندان در شهرهای کاشان و یاسوج

¹ Bottini

- بررسی تأثیر کالبد شهری بر مشارکت شهروندان در شهرهای کاشان و یاسوج
- بررسی تأثیر کالبد شهری بر مسئولیت‌پذیری شهروندان در شهرهای کاشان و یاسوج
- بررسی تأثیر کالبد شهری بر رفتارهای نوع‌دوستی شهروندان در شهرهای کاشان و یاسوج
- بررسی نقش میانجی هویت شهری و هویت محله در تأثیر کالبد شهری بر فرهنگ شهروندی در شهرهای کاشان و یاسوج

پیشینه پژوهش

در زمینه پژوهش حاضر مطالعات قبلی صورت پذیرفته که در اینجا به بررسی آن پرداخته می‌شود. صادق^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان مدل تلفیقی از هویت شهر و محله: داستان دو شهر پرداختند و فرضیه‌های پیشنهادی پژوهش را با توسعه و آزمایش یک مدل یکپارچه از هویت مکان برای دو شهر داکا و خولنا در بنگلادش بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه ساکنین محله، وابستگی به مکان و پیوند اجتماعی به‌طور مثبت بر هویت محله تأثیر می‌گذارد که به‌نوبه خود بر رضایت ساکنین محله و رفتار شهروندی ساکنین محله تأثیر می‌گذارد. نگوین^۲ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان مسئله حمل‌ونقل اتوبوس و رضایت مردم از حمل‌ونقل عمومی در شهر هوشی مین پرداخت و نتیجه مطالعه نشان می‌دهد که مردم از حمل‌ونقل عمومی راضی هستند. راناشه^۳ و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان مطالعه‌ای برای مقایسه سطح قابلیت پیاده‌روی در دو محله شهری سریلانکا پرداختند و یافته‌های منطقه پانادورا نشان می‌دهد که میزان قابلیت پیاده‌روی افراد به عوامل محیطی ساخته‌شده از جمله عملیات روکش آسفالت پیاده‌رو، عرض پیاده‌رو، کیفیت نگهداری جاده اختصاص داده‌شده است. در منطقه ماهاراگاما، سطح پیاده‌روی افراد عمدتاً به عواملی از جمله در دسترس بودن انواع فعالیت‌ها در هر دو طرف جاده (فروشندگان، بازی کودکان در خیابان‌ها)، اردوغان و آیتاچ^۴ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان ارزیابی خصوصیات هویت شهری در اماکن عمومی:

¹ Sadeque

² Nguyen

³ Ranasinghe et al

⁴ Erdogan & Ayatac

مطالعه موردی میدان اورتاکی پرداختند که در این پژوهش ثابت شده است که میدان اورتاکی یک مکان عمومی موفق است و این میدان همه مؤلفه‌ها را برای بازتاب هویت شهری دارد. کوپر^۱ (۲۰۱۴) در مقدمه کتاب خود نقش و تأثیر عوامل مؤثر بر فرهنگ شهروندی را مورد توجه قرار می‌دهد و بر اساس مطالعات پیشین استدلال می‌کند که عوامل مسئولیت‌پذیری، مشارکت، حقوق شهروندی، حق انتخاب از مهم‌ترین عوامل هستند که بر فرهنگ شهروندی تأثیر می‌گذارند.

فلاحی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر کالبد شهری بر فرهنگ شهروندی با رویکرد توسعه پایدار شهری در شهرهای کاشان و یاسوج پرداختند و نتایج تحقیق تبیین‌کننده رابطه معنادار بین شاخص‌های کالبد شهری و ابعاد فرهنگ شهروندی در شهرهای کاشان و یاسوج است و برآورد کلی شاخص‌های فرهنگ شهروندی نشان داد که دو شهر کاشان و یاسوج نیازمند تقویت بیشتر در ابعاد گرایش به پیروی از قانون و رفتار زیست‌محیطی هستند. عباس زاده و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان سنجش اعتبار و پایایی مقیاس سازه هویت شهری (پژوهشی در میان شهروندان شهر تبریز) را مورد بررسی قرار دادند و یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مقیاس ایجادشده هویت شهری ابزاری مناسبی برای اندازه‌گیری این مفهوم در شهر تبریز است. خستو و حبیب (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان رویکردی تحلیلی به تأثیر کالبدشهر بر فرهنگ با تأکید بر بافت شهری مطالعه موردی: شهر قزوین پرداختند که نتایج حاصل‌شده عبارت‌اند از کالبد شهر بر روی بیشتر افراد در بافت تاریخی تأثیر زیاد و خیلی زیاد و بر روی ساکنان در بافت‌های قدیمی و میانی تأثیر متوسط رو به زیاد و در بافت جدید تأثیر متوسط رو به کم دارد. علیزاده و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری نمونه موردی منطقه ۱۰ شهرداری مشهد به انجام رسانیده‌اند و نتایج پژوهش نشان داد که نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهر به ترتیب اولویت مشارکت ذهنی و معنوی، مشارکت سیاسی، مشارکت فیزیکی، مشارکت مالی و مشارکت ابزاری در رتبه اول تا پنجم قرار گرفتند. نوابخش و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان بررسی و سنجش میزان هویت محله‌ای شهروندان

^۱ Cooper

تهرانی پرداختند و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هویت محله‌ای شهروندان تهرانی در وضعیت متوسطی قرار دارد و تنها ۱۰ درصد از تهرانی‌ها هویت محله‌ای بالایی دارند. حدود ۸ درصد نیز از میزان هویت محله‌ای پایینی برخوردار هستند. اذانی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر یزد را مورد بررسی و مطالعه قراردادند که نتایج این تحقیق نشان داد شهروندان یزدی در ابعاد سه‌گانه شهروندی یعنی مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و رعایت قوانین و درنهایت پایبندی به اصول شهروندی در حد متوسط هستند.

مبانی نظری

شهرها تحت تأثیر صنعتی شدن، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و جهانی شدن هویت خود را از دست می‌دهند، یک وظیفه کلیدی برای سیاستمداران، برنامه‌ریزان شهری، طراحان شهری و ساکنان این است که بفهمند چه چیزی یک شهر را منحصربه‌فرد و قابل تشخیص می‌کند. تصور می‌شود که هویت شهری نه تنها از طریق ویژگی‌های رسمی قابل شناسایی و به یاد ماندنی، بلکه از طریق تمامی عناصر محیط ساخته شده، طبیعی و اجتماعی دارند، شکل می‌گیرد (اُکتای و بالا^۱، ۲۰۱۵: ۲۰۱-۲۰۳). از طرفی هویت شهری بازتابی از تمام سنت‌ها، فرهنگ و آرزوهای مردم محلی است که در کنار هم قرار گرفته‌اند و مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده هویت شهری، بافت شهری محلی است که توسط تمامی عناصر کالبدی و طبیعی به وجود می‌آید (آلی^۲، ۲۰۱۱: ۵۰۵)؛ بنابراین مقوله هویت شهری کالبدی است و ناشی از شکل کلی و فرم شهر است. هویت شهری چیزی جز خاطره جمعی افراد در یک شهر نیست و شهر بدون خاطره فاقد هویت است (تراپی و سیما، ۱۳۹۳: ۹۰-۸۹). مکانی که هر انسان بخشی از شخصیت وجودی و هویت فردی خود را در آن می‌سازد و خود را با آن شناسایی کرده و به دیگران می‌شناساند، وقتی که راجع به خود فکر می‌کند، خود را متصل به آن مکان می‌داند و آن را بخشی از خود برمی‌شمارد و میان او و آن مکان رابطه‌ای عمیق برقرار می‌کند (صفایی‌پور و روزبه، ۱۳۹۲: ۱۱۰)؛ بنابراین شکل شهر نیز می‌بایست گذشته را در برگیرد و اگر در محیط

¹ Oktay & Bala

² Aly

و کالبد شهر هیچ نشانه یا نماد از گذشته نباشد، هویت شهر هم کمرنگ می‌شود (آتشین بار، ۱۳۸۸: ۵۱). همان‌گونه که بسیاری از برنامه‌ریزان معتقدند که حیات یک شهر به حیات فضاهای عمومی محله‌های آن بستگی دارد (نصیری خلیلی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۴) و محله به‌عنوان یک مکان کالبدی و اجتماعی که می‌تواند شرایط مناسبی را برای افزایش مشارکت مردم و استفاده از توان جمعی آنان ایجاد کند و در بازتولید هویت محله، تقویت حس تعلق و مشارکت شهروندان در محله، تقویت حافظه‌ی تاریخی محله، ایجاد فضاهای عمومی و گفتگو بین شهروندان و حفظ سازمان محله‌ای بسیار مهم است (حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۴).

بنابراین در جامعه امروز شهری، محلات به‌عنوان بنیادی‌ترین عناصر شهری و حلقه میانجی بین شهر و شهروندان به شمار می‌روند. از گذشته‌های دور محله‌های شهرها در شکل‌دهی و سازمان‌دهی امور شهری جایگاه ویژه داشتند. هر محله با ارائه خدمات روزمره موردنیاز مردم و با ایجاد نمادهای محله‌ای و ویژگی‌های خاص موجب می‌شد ساکنان آن نوعی احساس تعلق و نوعی هویت پیدا کنند تا جایی که هر شهروند با نام محله‌ای که در آن می‌زیسته شناخته می‌شد. با تحولات سریع دوران معاصر، ورود به مرحله گذار و تغییر زیربناهای معیشتی و روابط اجتماعی، این وضعیت به هم‌ریخت. در گذشته برای مدیریت آبادانی، پاک‌سازی و ایجاد امنیت و ... از اهالی محله مشارکت می‌خواستند و در تمام مسائل مربوط به محله، نقش شهروندان حائز اهمیت بود. ولی به‌مرور این نقش، کمرنگ شد و ساکنان محله‌ها از هویت خاص محله خود تهی گردیدند (غراب، ۱۳۹۰: ۶۳-۶۴). در این راستا، مطالعه فضاها و کالبد شهر در شکل‌گیری هویت شهری و محله‌ای، موضوعی است که پژوهشگران امور شهری به آن پرداخته‌اند و در پژوهش حاضر به بررسی نقش میانجی هویت شهر و محله در تأثیر کالبد شهری بر فرهنگ شهروندان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این خصوص شهر مجموعه‌ای کالبدی است که بر اساس فعالیت‌ها و نیازهای ساکنین آن شکل گرفته است که انسان‌ها بسته به نیازهای فردی یا گروهی خود درون آن فعالیت داشته و فضاهای مختلف آن بستر یا ظرفی برای رفتارهای انسان‌ها هستند و از سوی دیگر بر فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنان تأثیر شدیدی می‌گذارند (الیاسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۰) و حیات اجتماعی در ساخت

کالبدی شهری تجسم می‌یابد (کریمی، ۱۳۸۹: ۶۱). بر این اساس رابطه انسان با شهر چنان درهم پیچیده شده که به‌دقت نمی‌توان گفت آیا این انسان است که شهر را می‌سازد یا این شهر است که به انسان شکل می‌دهد (نامورمطلق، ۱۳۹۱: ۱۲) با این وجود شکل دادن شهر به انسان در بررسی میزان تأثیرگذاری کالبد شهری بر فرهنگ شهروندی، نیازمند تأملی از تأثیر کالبد شهر بر فرهنگ و معنا و مفهوم فرهنگ است. معنای فرهنگ به‌عنوان یک مفهوم مبتنی بر سبک زندگی که به همه حوزه‌های زندگی انسانی اشاره دارد و از سوی دیگر، فرهنگ محدود و مبتنی بر هنر که اشاره هر دو تعریف به فرآیند کلی توسعه انسانی و معنوی یا زیبایی‌شناختی و نتایج آن می‌نماید (پیرنس^۱، ۲۰۰۹: ۱۵۹). تأثیری که محیط کالبدی بر فرهنگ می‌گذارد برخی اوقات به‌جای سازنده بودن، زندگی انسان‌ها را به‌سویی پیش می‌برد که گاه تصور می‌شود شرایط درگذشته بهتر از این بوده است. در بعد خرد، تغییرات عمده‌ای که در شکل، شرایط ساختمان‌ها و سازمان فضایی ایجاد شده است می‌تواند در نحوه شیوه زندگی، آداب و رسوم، نگرش، ارزش‌ها، شکل و میزان ارتباطات و به‌طورکلی فرهنگ مردم تأثیر گذارد، در مقیاس شهر یکی از عوامل عمده‌ای که امروزه شهرسازان بر آن بسیار تأکید می‌کنند فضای شهری به‌عنوان بستری برای تعامل شهروندان است (خستو و حبیب، ۱۳۹۵: ۳۲).

چنانچه معماری و شهرسازی با فضاهایی سروکار دارند که انواع فعالیت‌ها در چارچوب‌های متفاوت در آنها اتفاق می‌افتد و در حقیقت به این فضاها معنی و مفهوم می‌دهند؛ اما نمی‌توان تأثیر عوامل محیطی را بر آنها در فضای شهری انکار کرد و این نکته از نظر طراحی شهری اهمیت بسیار زیادی دارد، زیرا با استفاده از طراحی می‌توان بر فعالیت‌های انسانی یا به عبارت بهتر الگوهای رفتاری تأثیر گذاشت و فضاهای شهری را به‌گونه‌ای شکل داد که ضمن ایجاد زمینه بروز الگوهای رفتاری مناسب، مانع از انجام دادن رفتارهای نامطلوب از سوی شهروندان شوند (آرام و فرخی، ۱۳۹۲: ۴). الگوی رفتاری نشان‌دهنده نحوه رفتار مردم در فضا است که شامل تعاملات آنان با یکدیگر و با فضا است (خطیبی، ۱۳۹۲: ۶۶) با این وجود، شکل دادن فضای شهر به رفتارهای انسان در بررسی میزان تأثیرگذاری کالبد شهری بر فرهنگ شهروندی، نخست نیازمند

¹ Pirmes

تأملی از معنا و مفهوم، شهروندی و رفتارهای شهروندی است. شهروندی در نظریه جامعه‌شناسی، به‌عنوان عضویت فعال و غیرفعال افراد در یک نهاد اعطای حقوق و تعهدات تعریف می‌شود که در آن حقوق و تعهدات، جهان‌شمول مشخص تقریبی دارند و یک جنبه اخلاقی از شهروندی وجود دارد که اغلب، این چارچوب اخلاقی به مفاهیم فرهنگی «شهروند خوب بودن» اشاره می‌کند، به‌عنوان مثال شهروند خوب کسی است که در انجمن‌های داوطلبانه شرکت می‌کند. کسی که داوطلبانه به جامعه خود کمک می‌کند؛ و کسی که عموماً به‌گونه‌ای رفتار می‌کند که جامعه را بهتر می‌کند. ایسین و ترنر^۱ پیشنهاد می‌کنند که باید شهروندی را به‌طور مفهومی در سه محور اساسی چارچوب‌بندی کرد: میزان، محتوا و عمق. دولت-ملت میزان شهروندی را از طریق قوانین و سایر مرزها مشخص می‌کند. محتوا، نحوه تعریف و ترکیب حقوق و تعهدات در فرایند واقعی شهروندی را بررسی می‌کند و عمق شهروندی به میزان نفوذ رفتار شهروندی در زندگی روزمره افراد اشاره دارد (یانوسکی و کمپیون^۲، ۲۰۱۵: ۶۵۵-۶۶۰). رفتار شهروندی مفهومی است که با مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی افراد همراه است که آگاهانه به دنبال کاهش تأثیر منفی اقدامات افراد بر جهان طبیعی و ساخت بشر (به‌عنوان مثال کاهش تولید زباله، استفاده از مواد غیر سمی، کاهش مصرف انرژی) است و در رابطه با رفتار انسان نسبت به جامعه و بشریت مورد توجه قرار گرفته است (الحسینی المدرسی^۳ و همکاران، ۲۰۱۹: ۳-۴). جوهر رفتار شهروندی، مشارکت است. مشارکت مربوط به مشارکت فعال شهروندان در سه محیط اصلی: حاکمیت (عرصه ملی)، زندگی محلی (عرصه جمعی) و محل کار (عرصه سازمانی) (ویگودا و گلمیوسکی^۴، ۲۰۰۱: ۲۷۴-۲۷۹). رفتار شهروندی نشان‌دهنده جنبه منحصربه‌فردی از کار افراد در یک جامعه است که شامل همه رفتارهای به‌ظاهر نوع‌دوستانه افراد به نفع جامعه‌ای که بازیگر آن عضو است، نشان داده شده است (مشرام و اوکاس^۵، ۲۰۱۳: ۲۶۰)؛ بنابراین منظور از رفتار و رفتارهای مختلف شهروندان در این پژوهش که شامل رفتارهای زیست‌محیطی،

^۱ Isin and Turner

^۲ Janoski and Compion

^۳ Alhosseini Almodarresi

^۴ Vigoda and Golembiewski

^۵ Meshram and O'Cass

رفتارهای نوع‌دوستانه، رفتارهای قانون‌گرایی، رفتارهای مشارکت‌جویانه و رفتارهای مسئولیت‌پذیری افراد در جامعه شهری است که مجموعه این رفتارها، شاخص‌های فرهنگ شهروندی هستند و به‌طور کلی، فرهنگ شهروندی شامل مجموعه‌ای از عادات، اقدامات و مقررات مشترک است که باعث ایجاد حس تعلق و همزیستی شهری را تسهیل می‌کند و منجر به احترام و به رسمیت شناختن حقوق و وظایف شهروندی می‌شود (ریانو^۱، ۲۰۱۱: ۲۱۱). در این راستا به برخی از نظریه‌های فرهنگ شهروندی پرداخته شده است.

مارشال^۲ در مورد فرهنگ شهروندی، اشاره به سه نوع حقوق شهروندی کرده است: جنبه مدنی شامل حقوق لازم برای اعمال آزادی فردی مانند آزادی شخصی، آزادی اندیشه، ایمان و گفتار و حقوق مالکیت است. جنبه سیاسی به حقوق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی، مشارکت در نهادهای قدرت سیاسی و رأی دادن و انتخاب اشاره دارد. سرانجام، جنبه اجتماعی به این معنی است که مردم از رفاه و امنیت اقتصادی برخوردارند (کیان^۳، ۲۰۲۰: ۳۳). گی ارمه^۴ معتقد است که ویژگی کلی فرهنگ شهروندی، چه از لحاظ رفتار و چه از نظر ارزش‌های اخلاقی است. شهروند نه تنها باید به حقوق خود بلکه باید به وظایف خود نیز آگاه باشد (ارمه، ۱۳۷۶: ۱۷۲ - ۱۷۱). پارسونز^۵ مهم‌ترین ارزش‌هایی که باعث تقویت فرهنگ شهروندی در جامعه می‌شود شامل: برخوردار بودن از روحیه عقلانی، انتقادی و دانش علمی، احترام به قانون، بهره‌مندی از آزادی‌های مدنی در قانون و درک همه‌جانبه از مفهوم شهروندی است (روشه، ۱۳۷۶: ۶۷). گراهام^۶، مؤلفه‌های رفتار شهروندی را در ابعاد مختلف، مطرح می‌کند. بعد اول: اطاعت یا احترام به قوانین، فرآیندها و ساختارهای نظم یافته است یعنی شهروندان برای اطاعت از قوانین موجود که مدافع و حامی آنان است، مسئول هستند. مؤلفه دوم: وفاداری است که شهروندان باید به منافع دیگران و جامعه توجه نمایند. شهروندان وفادار و مسئولیت‌پذیر، ارتباطات خود را با دیگران توسعه می‌بخشند و تلاش‌های زیادی برای نیکی کردن از

¹ Riano

² Marshall

³ Qian

⁴ Hermet, Guy

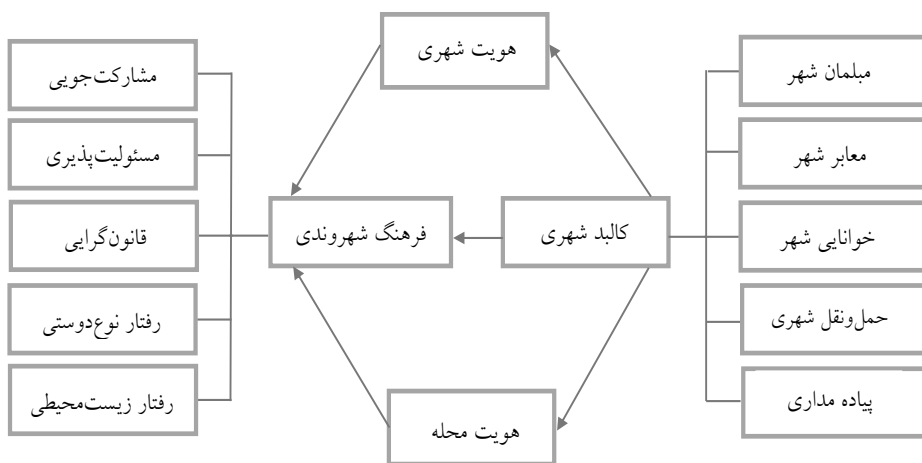
⁵ Talcott Parsons

⁶ Graham

خود نشان می‌دهند. مؤلفه سوم: مشارکت است. فردی که علاقه‌مند به مشارکت است، خود را از اخبار و اطلاعات آگاه و مطلع نگه می‌دارد، ایده‌های خود را با دیگران تقسیم می‌کند، درباره‌ی موضوعات مختلف وارد بحث و گفتگو می‌شود. در انتخابات رأی می‌دهد و دیگران را تشویق می‌کند که این چنین باشند (زارع، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

در این پژوهش فرضیات ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

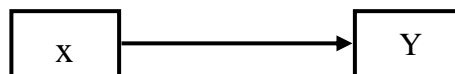
- ۱- بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی در شهر کاشان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی در شهر یاسوج رابطه وجود دارد.
- ۳- بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با میانجی هویت شهری در شهر کاشان رابطه وجود دارد.
- ۴- بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با میانجی هویت محله در شهر کاشان رابطه وجود دارد.
- ۵- بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با میانجی هویت شهری در شهر یاسوج رابطه وجود دارد.
- ۶- بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با میانجی هویت محله در شهر یاسوج رابطه وجود دارد.



مدل نظری پژوهش

روش پژوهش

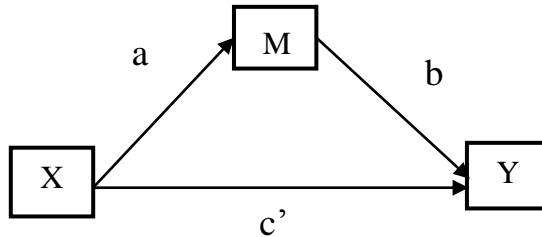
روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات با استفاده از پژوهش پیمایشی و ابزار پرسشنامه و توزیع آن به صورت تصادفی در بین شهروندان شهرهای کاشان و یاسوج صورت گرفته است. به طوری که منابع و اطلاعات مورد نیاز در بخش ادبیات پژوهش، از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و پیشینه تحقیق انجام شده است. جامعه آماری پژوهش در شهر کاشان ۳۰۴۴۸۷ نفر و در شهر یاسوج ۱۳۴۵۳۲ نفر است (سرشماری نفوس مسکن، ۱۳۹۵). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با سطح خطای ۵ درصد ۳۸۴ نفر محاسبه و به تناسب جمعیت جامعه آماری، حجم نمونه برای شهر کاشان ۲۶۶ نفر و شهر یاسوج ۱۱۸ نفر اختصاص داده شد. در خصوص روش نمونه‌گیری شهرهای کاشان و یاسوج ابتدا جمعیت دو شهر جمع گردید و مجموع نهایی با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شد که عدد ۳۸۴ به دست آمد و سپس جمعیت شهر کاشان تقسیم بر مجموع نهایی جمعیت هر دو شهر شد و عدد به دست آمده در ۳۸۴ ضرب گردید تا نتیجه نمونه‌گیری به دست آمد و محاسبه شهر یاسوج به همین شکل صورت گرفت. تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS استفاده گردید. همچنین تحلیل متغیر میانجی، پژوهش حاضر با اجرای روش بارون و کنی^۱ با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری با Amos بررسی شده است. میانجی‌گری یا اثر غیرمستقیم زمانی رخ می‌دهد که اثر یک متغیر مستقل بر متغیر وابسته از طریق متغیر میانجی منتقل شود (کریمی، ۱۳۹۴: ۴۰)؛ بنابراین ابتدا باید رابطه‌ی معنی‌داری بین دو متغیر مستقل (X) و متغیر وابسته (Y) وجود داشته باشد تا در مرحله‌ی بعد درصدد توضیح آن توسط متغیر میانجی باشیم. مدلی که چنین رابطه‌ای را به تصویر می‌کشد مدل اثر کامل می‌نامیم که در شکل شماره (۳) نمایش داده شده است.



شکل ۳- مدل با اثر کامل (Total Effect Model)

^۱ Baron and Kenny

در صورتیکه رابطه‌ی معنی‌داری بین X و Y برقرار باشد در گام دوم میانجی را ارزیابی می‌کنیم. در مرحله دوم، متغیر میانجی (m) را به مدل اضافه می‌کنیم.



شکل ۴- مدل با اثر میانجی (Mediation Effect Model)

شکل شماره (۴) مدل میانجی را نشان می‌دهد. همانطور که در شکل می‌بینید X از طریق دو مسیر مستقیم $X \rightarrow Y$ و مسیر غیرمستقیم $X \rightarrow M \rightarrow Y$ بر Y تأثیر می‌گذارد. در واقع در مسیر غیرمستقیم، ابتدا X روی M و سپس M روی Y تأثیر می‌گذارد (پهلوان شریف و مهدویان، ۱۳۹۴: ۹۹-۹۷)؛ بنابراین در توضیح کلی بررسی میانجی‌گری سه حالت وجود دارد. حالت اول نه تأثیر مستقیم و نه غیرمستقیم معنی‌دار است که در این حالت اصلاً میانجی‌گری نیست، حالت دوم تأثیر مستقیم و غیرمستقیم هر دو معنی‌دار است که به این میانجی‌گری جزئی می‌گویند و حالت سوم تأثیر مستقیم معنی‌دار نیست اما غیرمستقیم معنی‌دار است که در این حالت میانجی‌گری کامل است (تقی‌یار و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۹). برای سنجش پایایی ابزار پژوهش از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار ضریب آلفای محاسبه‌شده در نمونه مطالعاتی شهر کاشان و شهر یاسوج به شرح جدول شماره (۱) تعیین شده است که نمایانگر پایایی و دقت سنجش پرسشنامه است.

جدول ۱- ضرایب آلفای کرونباخ

هویت محله	هویت شهری	رفتار زیست محیطی	رفتار نوع دوستی	گرایش به پیروی از قانون	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	مشارکت اجتماعی	(مبلمان، معابر و خوانایی شهر)	حمل و نقل شهری	پیاده‌مداری	ضرایب آلفای کرونباخ
۰/۷۹۸	۰/۸۵۷	۰/۶۴۶	۰/۷۴۷	۰/۷۹۸	۰/۶۹۹	۰/۸۶۷	۰/۶۳۸	۰/۸۸۵	۰/۷۳۲	کاشان
۰/۸۵۴	۰/۹۶۲	۰/۷۲۷	۰/۹۲۰	۰/۶۲۸	۰/۸۵۹	۰/۹۱۷	۰/۹۴۸	۰/۹۴۶	۰/۸۸۳	یاسوج

جدول ۲- متغیرهای مورد استفاده در ابزار پژوهش

منبع	تعداد	دسته‌بندی
حبیبی و همکاران (۱۳۹۳)، خمره و نصیری (۱۳۹۳)، اسکندرپور و همکاران (۱۳۹۶)، رضایی جعفری و همکاران (۱۳۹۷)، راسینگ ^۱ و همکاران (۲۰۱۶)	۸	پیاده‌مداری
قربانی و همکاران (۱۳۸۹)، نسترن و همکاران (۱۳۹۷)، کوزه‌گر کالجی و همکاران (۱۳۹۸)، نواچوکو ^۲ (۲۰۱۴)	۱۱	حمل و نقل شهری
شاهمیوندی و همکاران (۱۳۹۴)، ایمانی و همکاران (۱۳۹۵)، خلیلی و همکاران (۱۳۹۶)، فرجی و همکاران (۱۳۹۷)، روستایی و ناصری (۱۳۹۸)، ستیر و کورکماز ^۳ (۲۰۰۵)	۱۴	(مبلمان، معابر و خوانایی شهر)
ادهمی (۱۳۹۵)، ملکی و دامن باغ (۱۳۹۶)، نصرتی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸)، قایدگیوی و همکاران (۱۳۹۸)، جعفری علی‌آبادی و گنجی (۱۳۹۹)	۱۰	مشارکت اجتماعی
	۱۴	مسئولیت‌پذیری اجتماعی
	۵	گرایش به پیروی از قانون
	۷	رفتار نوع دوستی
	۸	رفتار زیست محیطی
جهانی دولت‌آباد و همکاران (۱۳۹۲)، سرایی و همکاران	۹	هویت شهری

^۱ Ranasinghe

^۲ Nwachukwu

^۳ Satir and Korkmaz

هویت محله	۱۳	عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، محمدی‌زاده سماکوش و همکاران (۱۳۹۷)، جعفری علی‌آبادی و گنجی (۱۳۹۹)
-----------	----	---

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی شهرهای کاشان و یاسوج

یافته‌های توصیفی در شهر کاشان نشان داد که ۵۱/۱ درصد پاسخگویان زن و ۴۸/۹ درصد مرد هستند و از لحاظ سنی ۶۵/۴ درصد بیشترین پاسخگویان بین ۲۰ تا ۳۰ سال و پاسخ‌دهندگان مجرد ۶۸/۰ درصد بیشترین درصد و ۳۲/۰ درصد متأهل کم‌ترین درصد و از لحاظ بیشترین درصد طبقه اقتصادی - اجتماعی ۵۹/۰ درصد طبقه متوسط هستند. در شهر یاسوج ۵۲/۵ درصد پاسخگویان مرد و ۴۷/۵ درصد زن هستند و از لحاظ سنی ۴۲/۴ درصد بیشترین پاسخگویان بین ۲۰ تا ۳۰ سال و پاسخ‌دهندگان متأهل ۵۳/۴ درصد بیشترین درصد و ۴۶/۶ درصد مجرد کم‌ترین درصد و ۶۳/۶ درصد بیشترین پاسخ‌دهندگان طبقه متوسط هستند.

یافته‌های استنباطی

یافته‌های استنباطی این قسمت به تحلیل مقایسه میانگین شاخص‌های پژوهش در شهرهای کاشان و یاسوج پرداخته شده است و برای این منظور از آزمون t با دو نمونه مستقل مورد استفاده قرار گرفت.

جدول ۳- نتایج آزمون t مستقل در مورد تفاوت شاخص‌های پژوهش در شهرهای کاشان و یاسوج

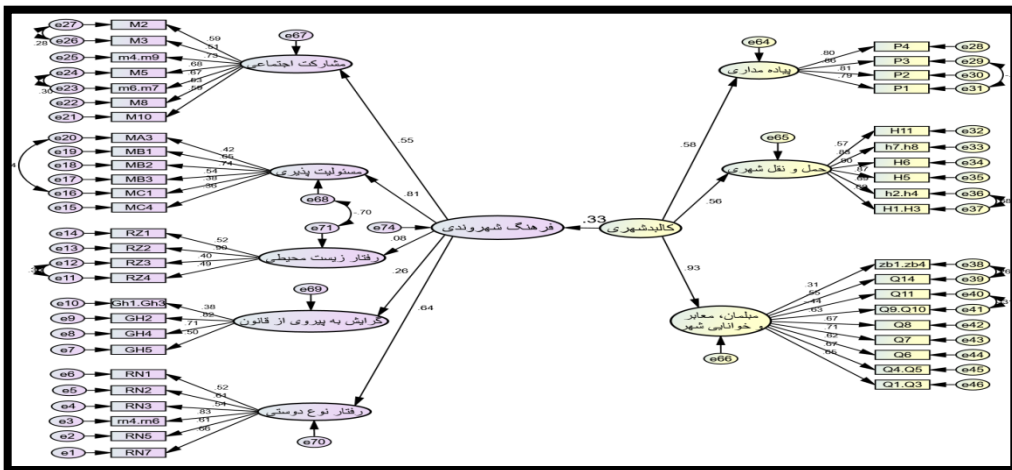
شاخص	شهر	میانگین	آزمون برابری		آماره آزمون تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
			واریانس‌های F لون	Sig			
پیاده‌مداری	کاشان	۲/۸۱	/۳۰۹	/۵۷۹	-۰/۵۸	۳۸۲	/۹۵۴
	یاسوج	۲/۸۱					
حمل و نقل شهری	کاشان	۲/۶۴	/۰۳۸	/۸۴۶	-۴/۳۸۰	۳۸۲	/۰۰۰
	یاسوج	۲/۲۶					
مبلمان، معابر و	کاشان	۲/۸۶	۱/۵۶۰	/۲۱۲	-۳/۲۳۹	۳۸۲	/۰۰۱

/۰۰۲	۲۰۵/۹۸۷	-۳/۱۲۰			۲/۶۸	ياسوج	خوانایی شهر
/۰۰۰	۳۸۲	۳/۹۳۶	/۵۷۹	۳۰۸	۲/۶۸	کاشان	مشارکت اجتماعی
/۰۰۰	۲۱۴/۵۷۱	۳/۸۶۱			۳/۰۳	ياسوج	
/۶۱۶	۳۸۲	/۵۰۱	/۰۰۹	۶/۸۹۶	۴/۰۴	کاشان	مسئولیت‌پذیری
/۶۴۶	۱۸۵/۷۵۱	/۴۶۰			۴/۰۸	ياسوج	اجتماعی
/۵۴۴	۳۸۲	-/۶۰۸	/۰۴۵	۴/۰۳۶	۴/۱۹	کاشان	گرایش به پیروی از قانون
/۵۵۸	۲۰۷/۱۲۵	-/۵۸۷			۴/۱۵	ياسوج	
/۶۲۴	۳۸۲	/۴۹۰	/۰۰۱	۱۰/۳۵۴	۴/۱۱	کاشان	رفتار نوع‌دوستی
/۶۵۳	۱۸۶/۰۲۲	/۴۵۰			۴/۱۵	ياسوج	
/۱۶۸	۳۸۲	۱/۳۸۰	/۱۰۷	۲/۶۱۳	۳/۱۸	کاشان	رفتار زیست‌محیطی
/۱۹۰	۲۰۱/۱۴۱	۱/۳۱۵			۳/۲۴	ياسوج	
/۰۲۴	۳۸۲	۲/۲۶۰	/۱۵۶	/۰۳۳	۳/۷۸	کاشان	هویت شهری
/۰۲۴	۲۲۶/۳۳۲	۲/۲۶۸			۴/۰۰	ياسوج	
/۵۵۸	۳۸۲	/۵۸۷	/۳۶۸	/۸۱۳	۳/۲۶	کاشان	هویت محله
/۵۴۶	۲۴۱/۱۸۸	/۶۰۵			۳/۳۱	ياسوج	

نتایج آزمون تی مستقل جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که شاخص‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی، گرایش به پیروی از قانون، رفتار نوع‌دوستی، رفتار زیست‌محیطی، پیاده‌مداری و هویت محله که سطح معنی‌داری این شاخص‌ها بیشتر از مقدار ۰/۰۵ هستند نتیجه می‌گیریم که بین میانگین شاخص‌های مذکور در شهرهای کاشان و یاسوج تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. همچنین شاخص‌های (مبلمان، معابر و خوانایی شهر)، مشارکت اجتماعی، حمل‌ونقل شهری و هویت شهری با توجه به سطح معنی‌داری آزمون تی مستقل این شاخص‌ها که کمتر از مقدار ۰/۰۵ هستند نتیجه می‌گیریم که بین میانگین شاخص‌های مذکور در شهرهای کاشان و یاسوج تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

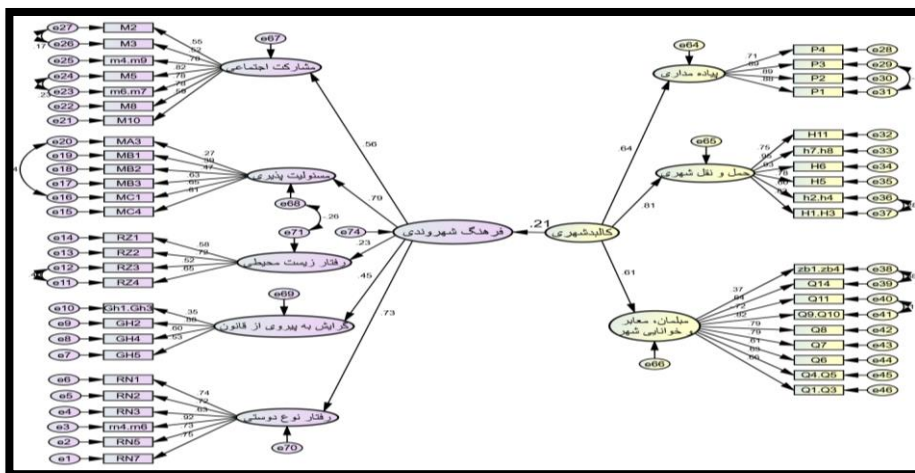
آزمون فرضیات

فرضیه اول: بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی در شهر کاشان رابطه وجود دارد. شکل شماره (۱) رابطه و سنجش تأثیرگذارترین شاخص‌های کالبد شهری بر فرهنگ شهروندی در شهر کاشان که از الگوی مدل معادلات ساختاری استفاده شده را نشان می‌دهد.



شکل ۱- مدل مفهومی اولویت‌بندی شاخص‌های کالبد شهری بر فرهنگ شهروندی در شهر کاشان یافته‌های مدل عاملی مرتبه دوم حاصل از معادلات ساختاری پژوهش در شهر کاشان نشان می‌دهد که در میان شاخص‌های کالبد شهری عامل (مبلمان، معابر و خوانایی شهر) بیشترین بار عاملی را با وزن ۰/۹۳ و در میان شاخص‌های فرهنگ شهروندی عامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشترین بار عاملی را با وزن ۰/۸۱ به خود اختصاص داده است و در تأیید یا رد معناداری ارتباط بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی در شهر کاشان ۰/۳۳ رابطه معناداری وجود دارد که نشان‌دهنده تأیید فرضیه تحقیق است.

فرضیه دوم: بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی در شهر یاسوج رابطه وجود دارد. شکل شماره (۲) مدل کالبد شهری بر فرهنگ شهروندی در شهر یاسوج نشان داده شده است.



شکل ۲- مدل مفهومی اولویت‌بندی شاخص‌های کالبد شهری بر فرهنگ شهروندی در شهر یاسوج

یافته‌های مدل عاملی مرتبه دوم در شهر یاسوج نشان می‌دهد که در میان شاخص‌های کالبد شهری عامل حمل‌ونقل شهری بیشترین بار عاملی را با وزن ۰/۸۱ و در میان شاخص‌های فرهنگ شهروندی عامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشترین بار عاملی را با وزن ۰/۷۹ به خود اختصاص داده است و در تأیید یا رد معناداری ارتباط بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی در شهر یاسوج ۰/۲۱ رابطه معناداری وجود دارد که نشان‌دهنده تأیید فرضیه تحقیق است.

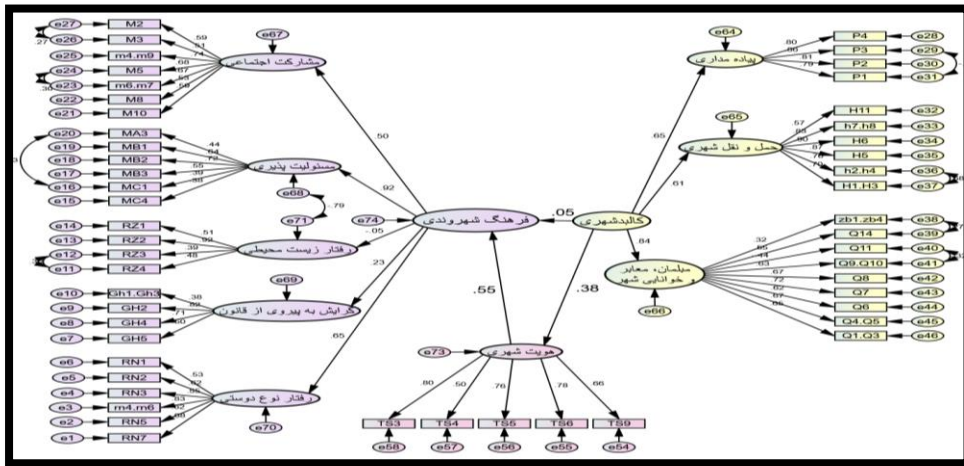
نتایج جدول شماره (۴) شاخص‌های پیش‌فرض برازش مدل نشان می‌دهد که داده‌های پژوهش به‌خوبی توانسته‌اند مدل مفهومی پژوهش را به‌صورت مشترک در شهرهای کاشان و یاسوج نمایندگی کنند.

جدول ۴- وضعیت شاخص‌های نیکویی برازش مدل پژوهش در شهرهای کاشان و یاسوج

RMSEA	PCFI	PNFI	CFI	GFI	CMIN/DF	P	DF	CMIN	NPAR	مدل
/۰۴۷	/۷۵۰	/۶۰۹	/۷۹۹	/۷۳۲	۱/۸۳۷	/۰۰۰	۱۹۴۳	۳۵۶۹/۲۷۷	۲۱۹	اصلی

فرضیه سوم: بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با میانجی هویت شهری در شهر کاشان رابطه وجود دارد.

در آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش، ابتدا بدون حضور متغیر میانجی، مسیر مستقیم بین متغیر مستقل و وابسته بررسی شده است و مشخص گردید که رابطه معنی‌داری بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی برقرار است و اولین گام در آزمون میانجی‌گری اطمینان از معنی‌دار بودن رابطه مستقیم بین متغیر مستقل و وابسته، تأیید گردید و در گام دوم میانجی‌گری مسیر متغیر مستقل به متغیر میانجی و مسیر متغیر میانجی به متغیر وابسته را آزمایش می‌کنیم. شکل شماره (۵) مدل رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با نقش میانجی‌گری هویت شهری در شهر کاشان نشان داده شده است.



شکل ۵- مدل مفهومی اولویت‌بندی شاخص‌های کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با نقش میانجی‌گری هویت شهری در شهر کاشان

نتایج خروجی جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که مسیرهای غیرمستقیم دارای سطح معنی‌داری هستند و مسیر مستقیم با ضریب برابر با ۰/۵۴۶ که این ضریب در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست و همانطور که در تحلیل میانجی اگر تأثیر مستقیم معنی‌دار نباشد اما غیرمستقیم معنی‌دار باشد در این حالت میانجی‌گری کامل است. بدین معنا که متغیر هویت شهری توانسته است نقش میانجی‌گر کامل در رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی در شهر کاشان را ایفا نماید، بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین کالبد

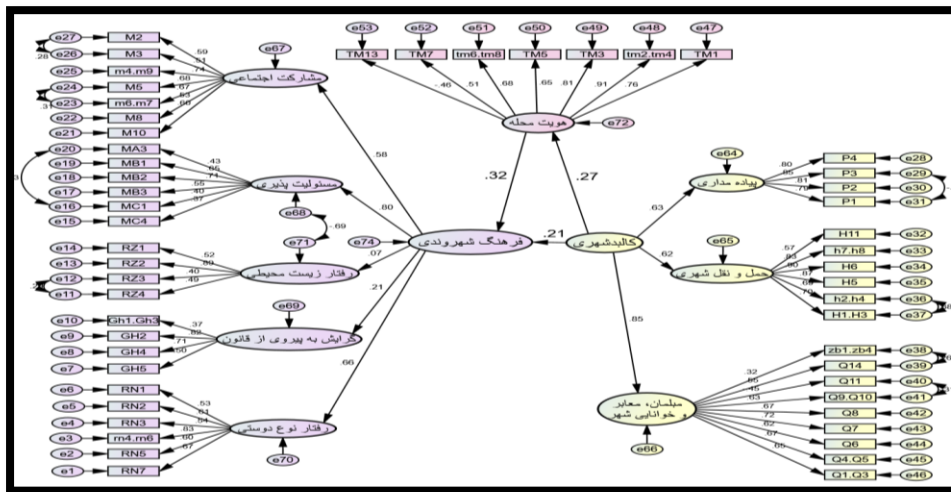
شهری و فرهنگ شهروندی با میانجی هویت شهری در شهر کاشان رابطه وجود دارد تأیید می‌گردد.

جدول ۵- رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با نقش میانجی‌گری هویت شهری در شهر کاشان

رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با نقش میانجی‌گری هویت شهری در شهر کاشان	مسیر متغیرها	تخمین غیراستاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معناداری
کالبد شهری --> هویت شهری در شهر کاشان	غیرمستقیم a	۱/۳۶۴	۳/۳۶۲	۳/۷۶۷	***
هویت شهری --> فرهنگ شهروندی در شهر کاشان	غیرمستقیم b	۳/۱۵	۱/۰۴۷	۶/۷۳۰	***
کالبد شهری --> فرهنگ شهروندی در شهر کاشان	مستقیم c	۱/۰۹۲	۱/۱۵۲	۱/۶۰۳	۱/۵۴۶

فرضیه چهارم: بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با میانجی هویت محله در شهر کاشان رابطه وجود دارد.

شکل شماره (۶) مدل رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با نقش میانجی‌گری هویت محله در شهر کاشان نشان داده شده است.



شکل ۶- مدل مفهومی اولویت‌بندی شاخص‌های کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با نقش میانجی‌گری هویت محله در شهر کاشان

نتایج خروجی جدول شماره (۶) نشان می‌دهد که مسیرهای غیرمستقیم دارای سطح معنی‌داری هستند و مسیر مستقیم با ضریب برابر با ۰/۱۹ که این ضریب در سطح ۰/۰۵ معنادار است و همانطور که در تحلیل میانجی اگر تأثیر مستقیم و غیرمستقیم هر دو معنی‌دار باشند در این حالت میانجی‌گری جزئی است. بدین معنا که متغیر هویت محله توانسته است نقش میانجی‌گر جزئی در رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی در شهر کاشان را ایفا نماید، بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با میانجی هویت محله در شهر کاشان رابطه وجود دارد تأیید می‌گردد.

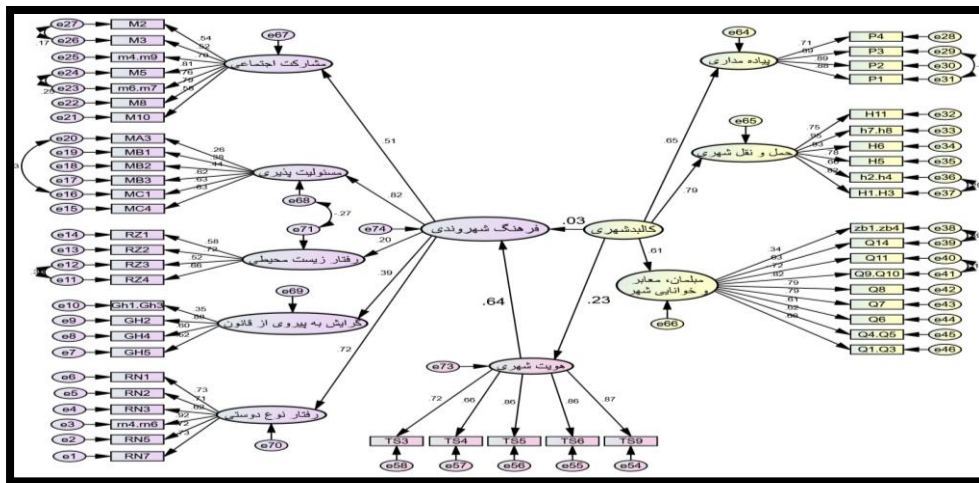
جدول ۶- رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با نقش میانجی‌گری هویت محله در شهر

کاشان

مسیر متغیرها	تخمین غیراستاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معناداری	رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با نقش میانجی‌گری هویت محله در شهر کاشان
غیرمستقیم a	۱/۱۸۴	۳/۳۵۲	۳/۳۶۶	***	کالبد شهری--> هویت محله در شهر کاشان
غیرمستقیم b	۱/۱۴۲	۱/۰۳۵	۴/۰۳۷	***	هویت محله--> فرهنگ شهروندی در شهر کاشان
مستقیم c	۴۲۰	۱/۱۷۹	۲/۳۵۱	۰/۱۹	کالبد شهری--> فرهنگ شهروندی در شهر کاشان

فرضیه پنجم: بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با میانجی هویت شهری در شهر یاسوج رابطه وجود دارد.

شکل شماره (۷) مدل رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با نقش میانجی‌گری هویت شهری در شهر یاسوج نشان داده شده است.



شکل ۷- مدل مفهومی اولویت‌بندی شاخص‌های کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با نقش میانجی‌گری هویت شهری در شهر یاسوج

نتایج خروجی جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که مسیرهای غیرمستقیم دارای سطح معنی‌داری هستند و مسیر مستقیم با ضریب برابر با ۰/۵۴۶ که این ضریب در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست و همانطور که در تحلیل میانجی اگر تأثیر مستقیم معنی‌دار نباشد اما غیرمستقیم معنی‌دار باشد در این حالت میانجی‌گری کامل است. بدین معنا که متغیر هویت شهری توانسته است نقش میانجی‌گر کامل در رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی در شهر یاسوج را ایفا نماید، بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با میانجی‌گری هویت شهری در شهر یاسوج رابطه وجود دارد تأیید می‌گردد.

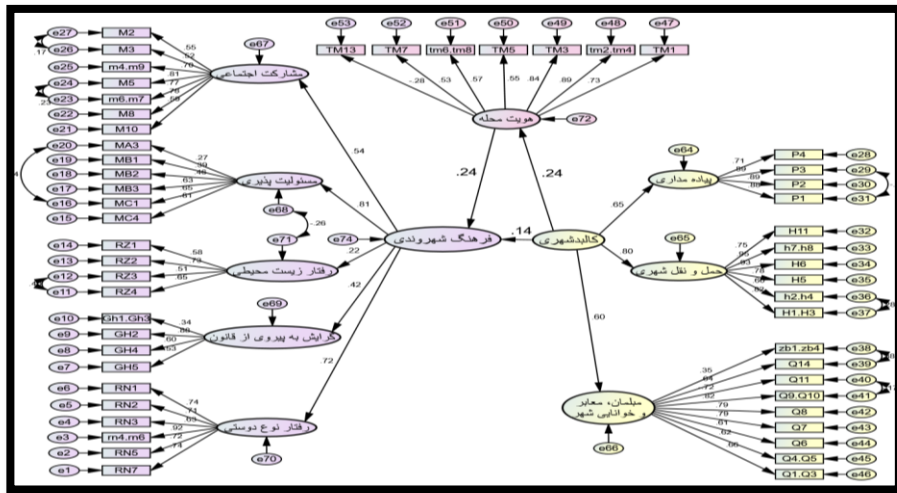
جدول ۷- رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با نقش میانجی‌گری هویت شهری در شهر یاسوج

سطح معناداری	نسبت بحرانی	خطای معیار	تخمین غیراستاندارد	مسیر متغیرها	رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با نقش میانجی‌گری هویت شهری در شهر یاسوج
***	۳/۷۶۷	۱/۳۶۲	۱/۳۶۴	غیرمستقیم a	کالبد شهری --> هویت شهری در شهر یاسوج
***	۶/۷۳۰	۱/۰۴۷	۱/۳۱۵	غیرمستقیم b	هویت شهری --> فرهنگ شهروندی در شهر یاسوج

۱۵۴۶	۱۶۰۳	۱۱۵۲	۱۰۹۲	مستقیم C	کالبد شهری--> فرهنگ شهروندی در شهر یاسوج
------	------	------	------	----------	--

فرضیه ششم: بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با میانجی هویت محله در شهر یاسوج رابطه وجود دارد.

شکل شماره (۸) مدل رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با نقش میانجی‌گری هویت محله در شهر یاسوج نشان داده شده است.



شکل ۸- مدل مفهومی اولویت‌بندی شاخص‌های کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با نقش میانجی‌گری هویت محله در شهر یاسوج

نتایج خروجی جدول شماره (۸) نشان می‌دهد که مسیرهای غیرمستقیم دارای سطح معنی‌داری هستند و مسیر مستقیم با ضریب برابر با ۰/۱۹ که این ضریب در سطح ۰/۰۵ معنادار است و همانطور که در تحلیل میانجی اگر تأثیر مستقیم و غیرمستقیم هر دو معنی‌دار باشند در این حالت میانجی‌گری جزئی است. بدین معنا که متغیر هویت محله توانسته است نقش میانجی‌گر جزئی در رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی در شهر یاسوج را ایفا نماید، بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با میانجی هویت محله در شهر یاسوج رابطه وجود دارد تأیید می‌گردد.

جدول ۸- رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با نقش میانجی‌گری هویت محله در شهر

ياسوج

رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی با نقش میانجی‌گری هویت محله در شهر ياسوج	مسیر متغیرها	تخمین غیراستاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معناداری
کالبد شهری--> هویت محله در شهر ياسوج	غیرمستقیم a	۱/۱۸۴	۱/۳۵۲	۳/۳۶۶	***
هویت محله--> فرهنگ شهروندی در شهر ياسوج	غیرمستقیم b	۱/۱۴۲	۱/۰۳۵	۴/۰۳۷	***
کالبد شهری--> فرهنگ شهروندی در شهر ياسوج	مستقیم c	۱/۴۲۰	۱/۱۷۹	۲/۳۵۱	۱/۰۱۹

نتایج جدول شماره (۹) شاخص‌های پیش‌فرض برازش مدل‌های متغیر میانجی هویت شهری و هویت محله به‌صورت مشترک در شهرهای کاشان و ياسوج نشان می‌دهد که برازش داده‌ها در مدل‌ها برقرار است و داده‌های پژوهش به‌خوبی توانسته‌اند مدل مفهومی پژوهش را حمایت کنند.

جدول ۹- وضعیت شاخص‌های نیکویی برازش مدل پژوهش در شهرهای کاشان و ياسوج

مدل اصلی	NPARG	CMIN	DF	P	CMIN/DF	GFI	CFI	PNFI	PCFI	RMSEA
هویت شهری	۲۴۱	۴۴۲۴/۰۲۵	۲۴۱۱	/۰۰۰	۱/۸۳۵	/۷۱۲	/۷۸۵	/۵۹۵	/۷۴۳	/۰۴۷
هویت محله	۲۴۹	۴۸۹۵/۹۴۰	۲۶۱۳	/۰۰۰	۱/۸۷۴	/۷۰۴	/۷۶۸	/۵۸۰	/۷۲۸	/۰۴۸

نتیجه‌گیری

هویت شهری و محله‌ای به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شهرهاست که می‌تواند بر فرهنگ شهروندان اثرگذار باشد. چنانچه یکی از مسئله‌های مهم شهرها فرهنگ شهروندان است. شهروندی در جهان امروز، یک ضرورت اجتماعی است. فرهنگ شهروندی مقوله‌ای فرهنگی بوده و به مجموعه رفتارهای یک جامعه مربوط می‌شود و مجموعه‌ای از قوانین و مقررات به‌اضافه توانمندی‌های اکتسابی تک‌تک افراد جامعه است (هاشمیان فر و عجمی، ۱۳۹۱: ۲۱۱-۲۱۰). به‌منظور تحقق فرهنگ شهروندی در مناطق

شهری که یک ضرورت راهبردی و استراتژیک است و اهدافی چون تقویت روحیه احترام به قانون، رعایت حقوق سایر شهروندان، حس وظیفه‌شناسی، ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت همه شهروندان و غیره را در برنامه‌های مختلف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار می‌دهد. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی نقش میانجی هویت شهری و هویت محله در تأثیر کالبد شهری بر فرهنگ شهروندی در شهرهای کاشان و یاسوج پرداخته است.

تجزیه و تحلیل یافته‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری در شهر کاشان نشان داد که در میان شاخص‌های کالبد شهری و فرهنگ شهروندی عامل (مبلمان، معابر و خوانایی شهر) بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص داده است. طبق این نتیجه از دلایل اینکه عامل (مبلمان، معابر و خوانایی شهر) در میان شاخص‌های کالبد شهری از نظر شهروندان شهر کاشان مهم است این است که شبکه معابر شهر به‌عنوان رابط، پیکره شهر با یکدیگر و با محیط‌های پیرامون به‌عنوان شریان‌های حیاتی شهر نقش بسیار مهمی را در شهر ایفا می‌کنند. در حقیقت می‌توان گفت یکی از اساسی‌ترین موارد در شکل‌دهی مورفولوژی شهرها، شبکه معابر و سیستم خیابان‌بندی هر شهر است. معبر به‌عنوان اصلی‌ترین رکن سیستم حمل‌ونقل در شهرهاست که شاید اساسی‌ترین عامل در نحوه توسعه شهر، قیمت زمین شهری، پویایی اقتصاد شهر و غیره باشد (شاه‌علی و سنایی، ۱۳۸۹: ۱۴۲). همچنین ویژگی‌های مبلمان شهری مانند فراوانی، شکل، رنگ، نوع مکان‌گیری مناسب و خدمات‌رسانی به شهروندان نقش مهم و عمده‌ای در هر شهر بر عهده دارد و این اجزا و امکانات زمانی مبلمان شهری تلقی می‌گردند که در فضاهای باز شهری مکان‌یابی شده و کارکرد عمومی دارند و همچنین وجود آنها در فضای شهری نیازهای مردم را تأمین کنند (قنبری و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۶۹) و یکی از کارکردهای عمومی مبلمان شهری بعد خوانایی است که باعث می‌شود شهروندان در فضای شهر بتوانند شهر را با استفاده از نشانه‌های ساده شناسایی و مسیریابی کنند (مشیری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۳-۸۲).

از طرفی یافته‌های مدل‌سازی در شهر یاسوج بیانگر این است که در میان شاخص‌های کالبد شهری و فرهنگ شهروندی عامل حمل‌ونقل شهری بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص داده است. همان‌طور که سیستم حمل‌ونقل کنونی شهر

ياسوج از محدودیت‌های عمده‌ای همچون عدم داشتن سهم حمل‌ونقل عمومی، اعم از نبود اتوبوس‌های خط واحد شهری، نامناسب بودن کیفیت ایستگاه‌های مسافربری درون‌شهری و در مقابل سهم بالای تاکسی‌ها در جابجایی شهروندان است و این نارسایی در سیستم حمل‌ونقل شهری سبب مشکلات و عوارضی همچون ازدحام ترافیکی، افزایش آلودگی، کاهش سطح تحرک شهروندان، افزایش مصرف سوخت و هدر رفت انرژی می‌شود. امروزه مسئله حمل‌ونقل یکی از عمده‌ترین مسائل شهرهاست. بروز مشکل در این سیستم می‌تواند مشکلاتی از قبیل افزایش هزینه‌های زندگی شهری و افزایش آلودگی محیط‌زیست در زندگی شهری به وجود آورد. استفاده شهروندان از حمل‌ونقل عمومی باعث ارتقای شرایط کمی و کیفی زندگی در شهرها، بهبود محیط‌زیست شهری خواهد شد (پیران و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳۷)؛ بنابراین نتایج به‌دست‌آمده در شهرهای کاشان و یاسوج از نظر شاخص‌های کالبدی، نیازمند تغییراتی در شکل شهری همچون شبکه‌های معابر شهر، مبلمان شهر و سیستم حمل‌ونقل شهری است.

نتایج شاخص‌های فرهنگ شهروندی در شهرهای کاشان و یاسوج نشان می‌دهد که در بین متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شهر یاسوج عامل در منازعات با همشهری‌ها سعی می‌کنم با بردباری و گذشت، قضیه را فیصله دهم و در شهر کاشان عامل دقت در حفظ اموال شخصی خود و حفظ امکانات و تجهیزات شهری بیشترین بارهای عاملی را به خود اختصاص داده‌اند. طبق این نتیجه، پارسونز^۱ مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تعهد را از ویژگی‌های شخصیتی افراد بیان می‌کند که تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار می‌گیرد. از دیدگاه وی در جامعه با مسئله‌ای به نام انتقال ارزش‌های اساسی به افراد روبرو هستیم و این ارزش‌ها هستند که کیفیت عمل افراد را تعیین می‌کنند و علت پذیرش هنجارها و ارزش‌ها توسط اعضای جامعه را درونی کردن آنها توسط افراد است که از این طریق هنجارها و ارزش‌ها جزء امتیازات شخصی، اعتقادات درونی و انتظارات افراد از یکدیگر می‌شود و به‌عبارتی دیگر اجتماعی شدن را عامل مؤثر و مهم بر مسئولیت‌پذیری و تعهد می‌داند (ورسلی، ۱۳۸۸: ۷۳).

¹ Parsons

در متغیر مشارکت اجتماعی در شهر یاسوج عامل همکاری با شهرداری در اجرای پروژه‌های مختلف شهری و در شهر کاشان عامل نامزد شدن برای انتخاب در شورای محله و شرکت در انتخابات شورای اسلامی شهر بیشترین بارهای عاملی را به خود اختصاص داده‌اند. طبق این نتیجه، دیوید دریسکل از نظریه‌پردازان مسائل شهری معتقد است مشارکت بر سه اصل مبتنی است: الف: توسعه در وهله اول و پیش از همه باید به نفع ساکنان محلی باشد، ب: مردمی که در محدوده مورد برنامه‌ریزی زندگی می‌کنند، دقیق‌ترین اطلاعات را درباره آن محدوده و موضوعات مرتبط با آن دارند، پ: مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می‌پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم‌گیری دارند (دریسکل^۱، ۲۰۰۲: ۳۲). از سوی دیگر مفهوم مشارکت در مدیریت شهری، خلق و اداره فضاهایی هرچه مطلوب‌تر و پایدارتر برای ساکنین شهر است و در نظریه‌های رایج جهانی امروز نیز یکی از اصلی‌ترین و مقبول‌ترین راهبردها برای نیل به حداکثر مطلوبیت و پایداری، مشارکت است که از آن جمله می‌توان به نظریه حکمروایی خوب شهری اشاره نمود که اولین ویژگی آن مشارکت است (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۹) در واقع حکمروایی شهری، فرایندی است که بر اساس کنش متقابل میان سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره شهر از یک طرف و سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های جامعه مدنی از طرف دیگر شکل می‌گیرد (ابراهیم‌زاده و زارع، ۱۳۹۳: ۱۷).

در بین متغیر رفتار نوع‌دوستی در شهر کاشان و یاسوج به صورت مشترک عامل اگر در صف باشم و بینم کسی خیلی عجله دارد جایم را به او می‌دهم و کمک کردن به نابینا جهت عبور از خیابان، بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص داده است، طبق این نتیجه، جان پیلیاوین^۲ در قالب نظریه مبادله اجتماعی، یک نظریه پنج مرحله‌ای، برای تبیین رفتار نوع‌دوستانه مطرح ساخته و بر اساس این نظریه، رفتار نوع‌دوستانه پیش از هر چیز مستلزم آگاهی از وضعیت‌های اضطراری است. طبیعی است که ما فقط در صورتی می‌توانیم به دیگران کمک کنیم که بدانیم آنان واقعاً به کمک نیازمندند. دومین مرحله این مدل، تحریک هیجانی است. حالت‌های اضطراری به لحاظ فیزیولوژیکی تحریک کننده

¹ Driskell

² piliavin

هستند. طبیعی است که تا فرد به لحاظ فیزیولوژیکی تحریک نشده باشد، دست به هیچ اقدامی نخواهد زد. صرف تحریک، برای تصمیم‌گیری به مداخله یا عدم‌مداخله کفایت نمی‌کند و لازم است این تحریک، تفسیر گردد. چهارمین مرحله مدل، محاسبه هزینه-پاداش است که طی آن فرد به‌طور شناختی، هزینه‌ها و پاداش‌های مداخله یا عدم‌مداخله را بررسی می‌کند. افرادی که در روابط اجتماعی، تحلیل هزینه-پاداش مادی می‌کنند، کمتر تمایل به رفتار نوع‌دوستانه دارند چون رفتار نوع‌دوستانه معمولاً با پاداش‌های مادی همراه نیست. فرد با در نظر گرفتن کلیه جوانب به مرحله پنجم، یعنی تصمیم‌گیری می‌رسد که رفتار نوع‌دوستانه انجام دهد یا نه (احمدی، ۱۳۸۸: ۹۲-۹۱)؛ بنابراین رفتارهای نوع‌دوستی را می‌توان به‌عنوان یکی از مسئله‌های شهری قلمداد نمود، زیرا غریبگی و گمنامی در شهرها بیشتر پدیدار می‌شود. از این‌رو گرایش به رفتارهای نوع‌دوستانه در هنگام بروز موقعیت‌های اضطراری و نیازمند یاری‌رسانی در بین شهرنشینان است (گلچین و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۵).

در بین متغیر رفتار زیست‌محیطی در شهر کاشان و یاسوج به‌صورت مشترک عامل ایجاد آلودگی صوتی و مزاحمت برای دیگران مانند بوق زدن، بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص داده است، در این خصوص استرن^۱ برای تبیین رفتار زیست‌محیطی با تأکید بر عوامل نگرشی (درونی): شامل نگرش‌های زیست‌محیطی و غیر زیست‌محیطی، هنجارهای شخصی، باورها و ارزش‌ها و همین‌طور عوامل زمینه‌ای (بیرونی): شامل انتظارات اجتماع، قوانین دولتی، عوامل قانونی و نهادی دیگر، قابلیت‌ها و محدودیت‌های ارائه‌شده توسط تکنولوژی و محیط ساخته‌شده (طراحی ساختمان، در دسترس بودن مسیر دوچرخه)، در دسترس بودن سیاست‌های عمومی برای حمایت از رفتار (به‌عنوان مثال، برنامه‌های بازیافت سطل‌های کنار خیابان) معتقد است که فرد تحت تأثیر این عوامل، رفتاری را در حمایت یا مخالفت ارزش‌های محیطی از خود بروز می‌دهد (استرن، ۲۰۰۰: ۴۱۷، به نقل از فیروزجائیان و غلامرضازاده، ۱۳۹۴: ۱۳۰). رفتارهایی که امروز در جامعه انجام شده و به‌نحوی موجب انواع آلودگی می‌گردد، به‌عنوان هنجار در جامعه جریان دارد؛ مانند بوق زدن، زباله ریختن در محیط و غیره و هیچ‌کس به خاطر

^۱ - Stern

انجام چنین کارهایی سرزنش و حتی مجازات نمی‌شود (بودون، ۱۳۸۵: ۷۸۱)؛ بنابراین مقابله با این معضل با توجه به طیف منابع آلوده‌کننده صدا، منوط به همکاری و همفکری متخصصین دانش‌های مختلف نظیر علوم اجتماعی، محیط‌زیست، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، ساختمان، معماری و شهرسازی و غیره است (پرویزیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹) در این بین؛ طراحی اصول بافت فیزیکی بر مبنای مقیاس عملکردی انسان و نیازهای مادی و معنوی او جزء کاراترین و پایدارترین شکل کنترل آلودگی‌های زیست‌محیطی و از جمله آلودگی صوتی است (محمدزاده، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۰).

همچنین مشخص گردید از میان متغیرهای گرایش به پیروی از قانون در شهر کاشان و یاسوج به صورت مشترک عامل معمولاً توسط افسران راهنمایی و رانندگی، زیاد جریمه می‌شوم بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص داده است، طبق این نتیجه نقض عمدی و آگاهانه رفتاری و هنجاری قوانین مربوط به راهنمایی و رانندگی شامل شناخت و درک قواعد، اصول، علائم و وضعیت کلی مربوط به آن از سوی استفاده‌کنندگان تخلف و قانون‌گریزی اطلاق می‌شود (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۱). قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید (مثل سرقت، قتل و غیره) تا قانون‌گریزی گاه‌گاهی، غیر خشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و غیره) را در برمی‌گیرد. آنچه که مسلم است اینکه افراد کمتری در هر جامعه مرتکب قانون‌گریزی از نوع اول می‌شوند در حالی که همه افراد جامعه به نوعی مرتکب قانون‌گریزی از نوع دوم می‌شوند (فیروزجائیان، ۱۳۸۹: ۳۸۵) و این نوع از قانون‌گریزی دارای ویژگی غیر خشونت‌آمیز، گاه‌گاهی و عمدتاً بدون مجازات یا مجازات ضعیف است که به آن قانون‌گریزی نرم گفته می‌شود. در جامعه این نوع قانون‌گریزی به عنوان جرم در نظر گرفته نمی‌شود و کم‌تر عکس‌العملی منفی در برابر این نوع قانون‌گریزان دیده می‌شود. این نوع قانون‌گریزی به دلیل فراوانی و سهولت در انجام آن بیش‌تر به صورت عرف در جامعه درآمده است. نادیده گرفتن قوانین رانندگی، نمونه‌هایی از این نوع قانون‌گریزی در جامعه است (همان منبع، ۳۸۶). برای مثال، دیده می‌شود که در رانندگی هیچ احترامی برای ایستادن در صف وجود ندارد و رانندگان سعی دارند از هر گوشه و کنار از دیگران «جلو» بزنند. حتی اگر این جلو زدن مستلزم رانندگی در خلاف

جهت باشد و یا مجبور باشند در آخرین لحظه از منتهالیه چپ به منتهالیه راست بیایند و سر ماشین را دزدانه وارد یک روزنه خروجی اتوبان کنند. اکنون با این وصف به نظر می‌رسد که وجود نوعی احساس آنومی یا آشفتگی اجتماعی در بین مردم و رانندگان، یکی از علل رعایت نکردن قوانین راهنمایی و رانندگی است. یکی از عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر قانون‌گریزی، آشفتگی اجتماعی یا احساس آنومی است. در این وضعیت احترام به قانون جایگاهی ندارد. وقتی این حالت به صورت عام در جامعه شیوع پیدا می‌کند می‌گوییم جامعه دچار آنومی یا نابسامانی شده است (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۴-۳۵) بر این اساس از نظر دورکیم^۱ آنومی به وضعیتی در یک جامعه اطلاق می‌شود که در آن هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر رفتار فرد از دست بدهند (معیدی-فر، ۱۳۷۹: ۱۴۹).

نهایتاً پس از بررسی فرضیه متغیرهای میانجی، مشخص گردید که متغیر هویت شهری توانسته است نقش میانجی‌گر کامل در رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی در شهر کاشان و یاسوج را ایفا نماید. طبق این نتیجه یعنی متغیر میانجی هویت شهری از متغیر پیشین خود (متغیر کالبد شهری) اثر پذیرفته و بر متغیر پسین خود (متغیر فرهنگ شهروندی) به‌طور کامل اثر می‌گذارد. همان‌طور که هویت شهری مجموع تعاملات و وابستگی‌های شهروندان با محیط زندگی‌شان است. از این رو هویت شهری همان شیوه زندگی فرد یا گروهی از افراد در درون اجتماع شهری است (رحیمی، ۱۳۹۷: ۷۸). چنانچه به عقیده لالی^۲ (۱۹۹۲: ۲۹۴). در واقع هویت شهری، هویت جمعی است که با تبلور عینی در فیزیک و محتوای شهر معنادار می‌شود و به‌واسطه ایجاد تداعی خاطرات عمومی در شهروندان و تعلق خاطر، شهرنشینان را به‌سوی شهروند شدن هدایت می‌کند. پس هرچند که هویت شهر خود معلول فرهنگ شهروندان آن است، فرایند شهروندسازی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند باعث تدوین معیارهایی مرتبط با مشارکت و قضاوت نزد ناظران و ساکنان گردد (نوفل و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۷) و در نهایت طبق نتیجه این پژوهش، هویت شهری به‌طور کامل بر فرهنگ شهروندان شهرهای کاشان و یاسوج

^۱ Durkheim

^۲ Lalli

اثرگذار بوده و می‌توان تشریح کرد که یکی از شاخص‌های که باعث تقویت و رشد شاخص‌های فرهنگ شهروندی اعم از مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و غیره گردد، هویت شهری است؛ بنابراین هویت شهری همچنان به‌عنوان شاخصی اثرگذار بر فرهنگ شهروندان در شهرهای کاشان و یاسوج است.

از طرفی یافته‌های دیگر متغیر میانجی، مشخص گردید که متغیر هویت محله‌ای توانسته است نقش میانجی‌گر جزئی در رابطه بین کالبد شهری و فرهنگ شهروندی در شهر کاشان و یاسوج را ایفا نماید. طبق این نتیجه یعنی متغیر میانجی هویت محله از متغیر پیشین خود (متغیر کالبد شهری) اثر پذیرفته و بر متغیر پسین خود (متغیر فرهنگ شهروندی) به‌طور جزئی اثر می‌گذارد. همان‌گونه که امروزه شاهد به وجود آمدن محله‌هایی هستیم که غیر از تفاوت در اسمشان هیچ ویژگی متمایز دیگری نسبت به هم ندارند. این سیر نادرست و حرکت‌های معیوب آن‌چنان وضعی را به وجود آورده که در بافت‌های جدید شهری، ویژگی سنتی محله از بین رفته و ارزش‌هایی همچون روابط همسایگی، آرامش و غیره همگی رنگ‌باخته و حتی در بعضی از موارد اسم‌های جدید مانند فاز، بلوک و غیره جای اسم محله را به خود گرفته است (وحیدا و نگینی، ۱۳۹۱: ۳۶). در این راستا هویتی که امروزه کمتر مورد توجه قرار گرفته و این امر به کاهش حس تعلقات مکانی انجامیده است (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱) در این ارتباط هنگامی که حس تعلق اجتماعی فرد به منطقه سکونتش از دست می‌رود، به آن مکان اهمیت چندانی نداده و حتی ممکن است آن منطقه را نیز ترک کند که در این صورت رابطه دوطرفه بین فرد و جامعه از بین می‌رود. در واقع با کاهش حس تعلق، روحیه منفعت‌طلبی شخص تقویت شده و فرد فقط به منافع شخصی خود می‌اندیشد (ناطق‌پور، ۱۳۸۳: ۳۲). چنین وضعیتی به تدریج، آشفتنگی و ازهم‌گسیختگی اجتماعی را به دنبال آورده و باعث می‌شود تا جامعه شرایط توسعه و توسعه‌یافتگی را در خود به وجود نیاورد (مبارکی و صلاحی، ۱۳۹۲: ۲۷۸)؛ بنابراین هویت محله‌ای به‌طور جزئی بر فرهنگ شهروندان شهرهای کاشان و یاسوج اثرگذار بوده و خود‌گویای این مسئله مهم است که مدیران و برنامه‌ریزان شهری توجه ای ویژه به بعد هویت محله‌ای شهرهای ذکرشده داشته باشند چون محلات شهری می‌توانند نقشی مهم در تسهیل مشکلات شهری و

محل‌های داشته باشند و نقش مشارکتی شهروندان در محلات به‌عنوان مهم‌ترین نقش محل‌ها در تقویت فرهنگ شهروندان حائز اهمیت است.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و زارع، محمد (۱۳۹۳). سنجش میزان سرمایه اجتماعی، مشارکت و توسعه پایدار شهری مورد شناسی؛ منطقه سه کلان‌شهر زاهدان. **جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای**، ۴(۱۱)، ۱۵-۳۰.
- آتشین بار، محمد (۱۳۸۸). تداوم هویت در منظر شهری. **باغ نظر**، ۶(۱۲)، ۴۵-۵۶.
- احمدی، سیروس (۱۳۸۸). بررسی نوع‌دوستی در روابط روزمره اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. **جامعه‌شناسی ایران**، ۱۰(۲)، ۸۷-۱۰۸.
- ادهمی، عبدالرضا (۱۳۹۵). بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست مورد مطالعه: ساکنین مناطق ۵ و ۱۸ شهر تهران. **فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران**، ۷(۱)، ۱-۲۶.
- اذانی، مه‌ری؛ حاتمی، مجتبی و حاتمی، حسین (۱۳۹۰). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر یزد. **مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی**، ۱(۱)، ۸۱-۱۰۲.
- آرام، مرضیه و فرخی، مریم (۱۳۹۲). تأثیر طراحی شهری بر ارتقای کیفیت محیطی و الگوی رفتاری شهروندان. **ماهنامه تخصصی شهر و منظر**، ۳(۳۰)، ۴-۱۴.
- ارمه، گی (۱۳۷۶). **فرهنگ دموکراسی**. ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: انتشارات ققنوس.
- اسکندرپور، مجید؛ کوزه‌گر کالجی، لطفعلی؛ حنیفی اصل، یاسین و شیخکانلوی میلان، ناصر (۱۳۹۶). تحلیلی بر عملکرد فضاهای عمومی شهری با اهداف پیاده‌مداری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر ارومیه). **مطالعات ساختار و کارکرد شهری**، ۴(۱۴)، ۱۱۸-۱۴۰.
- افشارکهن، جواد و ناجی مهر، فاطمه (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ابعاد ساختاری و شناختی سرمایه اجتماعی بر احساس شهروندی (مطالعه موردی: ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر مشهد). **نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، ۴(۱۰)، ۲۹-۵۲.
- الیاسی، امیر؛ ستایش مهر، محمود و رجبی، امین (۱۳۹۵). بررسی رابطه طراحی فضای شهری با گرایش به ارتکاب جرم شهروندان و راهکارهای پیشگیری از آن (مورد مطالعه: خیابان‌های شهر اصفهان). **فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی**، ۷(۴۶)، ۶۹-۹۰.

- ایمانی، علی؛ منصور، فردین و آمویی، محمدرضا (۱۳۹۵). ارزیابی آثار اجتماعی و فرهنگی اصلاح هندسی معابر شهری؛ با مطالعه اصلاح هندسی معابر سطح منطقه ۱۸ تهران. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۷(۲۵)، ۸۵-۱۰۴.
- بخارایی، احمد؛ شربتیان، محمدحسن و احمدی، اعظم (۱۳۹۴). تحلیل رابطه جامعه‌شناختی سبک زندگی و گرایش به حقوق شهروندی (مطالعه موردی دانشجویان پیام نور خراسان جنوبی). جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶(۴)، ۸۷-۱۰۸.
- بودن، ریمون (۱۳۸۵). فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی. ترجمه عبدالحسن نیک گهر، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی، حسین (۱۳۸۶). نظریه‌های شهر و پیرامون. چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۱). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. تهران: انتشارات شهیدی.
- پرویزیان، علیرضا؛ احمدی، هاجر؛ امان پور، سعید و درخشان، عبدالمطلب (۱۳۹۹). تولید نقشه آلودگی صوتی با مدل‌سازی مکانی نقشه کاربری اراضی (موردپژوهشی شهر یاسوج). فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۹(۳۴)، ۷-۲۲.
- پهلوان شریف، سعید و مهدویان، وحید (۱۳۹۴). مدل‌سازی معادلات ساختاری با Amos. انتشارات بیشه تهران، چاپ اول، ۱-۱۳۹.
- پیران، حمیدرضا؛ سعیده زرآبادی، زهرا سادات، زیاری، یوسفعلی و ماجدی، حمید (۱۳۹۸). تبیین ابعاد و مؤلفه‌های پایداری در حمل‌ونقل شهری با بهره‌گیری از تحلیل عاملی. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۱(۲)، ۳۳۷-۳۵۳.
- ترابی، زهره و سیما، یلدا (۱۳۹۳). طراحی ورودی شهر با رویکرد هویت بخشی به فضای شهری نمونه موردی ورودی شرقی شهر زنجان. فصلنامه مدیریت شهری، ۳۶(۳۶)، ۸۳-۱۰۴.
- ترکاشوند، عباس؛ جهانبخش، حیدر و کریمی نژاد، مریم (۱۳۹۶). بازشناسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت و خاطره جمعی در فضاهای شهری پیرامون پل‌های تاریخی. معماری و شهرسازی ایران، ۸(۱)، ۵-۱۴.
- تقی‌یار، زهرا؛ پهلوان‌زاده، فرشاد و رفاهی، ژاله (۱۳۹۷). مدل معادلات ساختاری تعهد زناشویی و سبک‌های عشق‌ورزی با صمیمیت زناشویی با توجه به نقش میانجی رضایت جنسی. زن و مطالعات خانواده، ۱۱(۴۲)، ۹۱-۱۰۴.

- جعفری علی‌آبادی، عاطفه (۱۳۹۹). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی در میان شهروندان شهر کاشان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات فرهنگی). استاد راهنما: محمد گنجی، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان.
- جهانی دولت‌آباد، رحمان؛ شمعی، علی و جهانی دولت‌آباد، اسماعیل (۱۳۹۲). سنجش میزان هویت محله‌ای با تأکید بر نقش نهادهای مردمی در منطقه ۷ تهران. **تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، ۱۳(۳۱)، ۱۹۱-۲۱۰.
- حاتمی نژاد، حجت؛ حاتمی نژاد، حسین؛ زیاری، کرامت الله و پوراحمد، احمد (۱۳۹۹). نقش فضاهای شهری در خلق الگوهای رفتاری ناهنجار با تأکید بر عامل پیش‌گیری از وقوع جرم در محله چهارباغ منطقه ثامن مشهد. **مطالعات ساختار و کارکرد شهری**، ۷(۲۴)، ۹۹-۱۲۷.
- حبیبی، کیومرث؛ حقی، محمدرضا و صداقت نیا، سعید (۱۳۹۳). مقایسه تطبیقی قابلیت پیاده‌مداری در محلات مسکونی طراحی‌شده از دیدگاه ساکنین نمونه مطالعاتی: محله هفت‌حوض و فاز یک شهرک اکباتان در شهر تهران. **معماری و شهرسازی ایران**، ۵(۸)، ۱۲-۱.
- حبیبی، محسن (۱۳۷۹). جامعه مدنی و حیات شهری. **نشریه هنرهای زیبا**، ۷(۷)، ۲۱-۳۳.
- حقیقتیان، منصور؛ اسماعیلی، رضا و کریمی‌زاده اردکانی، سمیه (۱۳۹۴). محله محوری و احساس تعلق به محله در بین ساکنان شهر تهران. **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، ۵(۱۴)، ۷۴-۵۳.
- خستو، مریم و حبیب، فرح (۱۳۹۵). رویکردی تحلیلی به تأثیر کالبد شهر بر فرهنگ با تأکید بر بافت شهری مطالعه موردی: شهر قزوین. **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، ۷(۲۶)، ۳۱-۴۲.
- خطیبی، سید محمدرضا (۱۳۹۲). تأثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهر، مطالعه موردی: محدوده ورودی سنندج. **نشریه هویت شهر**، ۷(۱۳)، ۶۳-۷۳.
- خلیلی، حمید؛ آفایان، ایمان و کاشی، احسان (۱۳۹۶). گسترش تابع زمان-تاخیر در محل برخورد جریان‌های ترافیکی با رویکرد بررسی نحوه رانندگی و شرایط هندسی مسیر، مطالعات موردی دوربرگردان‌ها در معابر شهر تهران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد گرایش راه و ترابری). دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود، ۱-۱۰۱.

- خمره، غلامعلی و نصیری، اقبال (۱۳۹۳). بررسی و اولویت‌بندی معابر پیاده شهر زابل جهت بهسازی و نوسازی در راستای ارتقای شهری انسان‌مدار و پایدار (مطالعه موردی: خیابان‌های بافت مرکزی شهر زابل). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۹(۲۹)، ۱۱۵-۱۲۸.
- رحیمی، اکبر (۱۳۹۷). توسعه میان‌افزای شهری، رویکردی نوین در حفظ زمین شهری در تبریز. *نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۲(۶۳)، ۷۷-۹۸.
- رضایی جعفری، کامران؛ ملکی، سعید و گشتیل، معصومه (۱۳۹۷). ارزیابی قابلیت پیاده‌مداری فضاهای شهری با رویکرد نوشهرگرایی (نمونه موردی: محله کیانپارس در شهر اهواز). *فصلنامه مطالعات عمران شهری*، ۲(۶)، ۶۱-۷۵.
- روستایی، شهریور و ناصری، رقیه (۱۳۹۸). ارزیابی قابلیت پیاده‌مداری معابر بافت تاریخی شهر مراغه. *پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۱۰(۱۹)، ۱۲۳-۱۳۴.
- ریشه، گی (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*. ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات تیان.
- زارع، حمید (۱۳۸۹). رفتارهای شهروندی در جامعه دینی. *فلسفه‌ی دین*، ۷(۷)، ۱۱۹-۱۴۲.
- سرایی، محمدحسین؛ روستا، مجتبی و اشنویی، امیر (۱۳۹۴). ارزیابی هویت محله‌ای در شهر جهرم. *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۳(۱)، ۶۹-۸۴.
- شاه علی، جعفر و سنایی، مجید (۱۳۸۹). بررسی شبکه معابر شهری در ارتباط با مورفولوژی شهری. *جغرافیای انسانی*، ۲(۳)، ۱۲۹-۱۴۴.
- شاه‌یوندی، احمد؛ قلعه‌نویی، محمود و علی پور اصفهانی، مریم (۱۳۹۴). بررسی ویژگی‌های کالبدی و اثرگذاری آن بر سرزندگی و زیست‌پذیری محله‌های قدیم شهری نمونه موردی محله سنبلستان اصفهان. *مرمت و معماری ایران*، ۵(۹)، ۱۳-۲۷.
- شربتیان، محمدحسن (۱۳۸۷). تأملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهای برای گسترش آن. *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، علوم اجتماعی*، ۹(۹)، ۱۱۹-۱۵۴.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰). مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری. *فصلنامه مدیریت شهری*، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران، ۸(۸)، ۴۲-۵۵.
- صفایی پور، مسعود و روزبه، حبیبه (۱۳۹۲). هویت و توسعه پایدار محله‌ای در شهر شیراز نمونه موردی محله فخرآباد. *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۳۱(۳۱)، ۱۰۷-۱۲۰.

- عباس زاده، محمد؛ بنی فاطمه، حسین؛ علیزاده اقدم، محمداقبر و بهاری، موسی (۱۳۹۷).
سنجش اعتبار و پایایی مقیاس سازه هویت شهری (پژوهشی در میان شهروندان شهر تبریز). *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۲(۶۴)، ۱۸۹-۲۱۰.
- عباس زاده، محمد؛ عابدینی، عیسی؛ حسنی، محمدرضا و مبارک بخشایش، مرتضی (۱۳۹۱).
آشفته‌گی اجتماعی و رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی (مورد مطالعه: رانندگان شهر تبریز). *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۱(۴)، ۱۹-۳۸.
- علیزاده، کتابون؛ رضوی نژاد، مرتضی و رادفر، مینا (۱۳۹۲).
بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری نمونه موردی منطقه ۱۰ شهرداری مشهد. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری*، ۱(۱)، ۶۱-۸۷.
- غراب، ناصرالدین (۱۳۹۰). *هویت شهری*. انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، راه دان، چاپ اول، ص ۱-۱۰۹.
- فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). *شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی*. تهران: نشر نی.
- فرجی، مهسا؛ شاطریان، محسن و حیدری سورشجانی، رسول (۱۳۹۷).
ارزیابی وضعیت مبلمان شهری و ارتباط آن با رضایتمندی شهروندان، بهبود کیفیت محیط شهری و توسعه گردشگری مطالعه موردی شهر کاشان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه کاشان، ۱-۱۳۶.
- فلاحتی، فرشاد؛ حیدری سورشجانی، رسول و گنجی، محمد (۱۴۰۲).
تأثیر کالبد شهری بر فرهنگ شهروندی با رویکرد توسعه پایدار شهری در شهرهای کاشان و یاسوج. *جغرافیای اجتماعی شهری*، ۱۰(۱)، ۱۰۳-۱۲۴.
- فیروزجانیان، علی‌اصغر (۱۳۸۹). *قانون‌گریزی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای)*.
فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۱(۴۲)، ۳۸۱-۴۱۰.
- فیروزجانیان، علی‌اصغر و غلامرضا زاده، فاطمه (۱۳۹۴).
شرایط محیطی اثرگذار بر زباله پراکنی در استان مازندران با تأکید بر شرایط محیطی تسهیل‌کننده آن. *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری*، ۱۰(۲۹)، ۱۲۳-۱۴۴.
- قایدگیوی، فرود؛ حقیقتیان، منصور و بهیان، شاپور (۱۳۹۸).
تحلیل رابطه‌ی هویت ملی و پابندی به فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه کلان‌شهر شیراز). *فصلنامه مطالعات ملی*، ۲۰(۱)، ۷۹-۱۰۴.

- قربانی، محمد؛ حیدری کمال‌آبادی، رضا و کریمویی، حمیدرضا (۱۳۸۹). ارزیابی رضایت شهروندان مشهد از خدمات شبکه اتوبوسرانی شهری. *مشهد پژوهی*، ۳(۴)، ۲۵-۴۷.
- قنبری، ابوالفضل؛ طاهونی، مهدیه و قادری، ناصر (۱۳۹۵). بررسی عوامل تأثیرگذار بروز وندالیسم در مبلمان شهری (مطالعه موردی: شهر تبریز). *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۴(۴)، ۵۶۹-۵۸۶.
- کریمی، رامین (۱۳۹۴). *راهنمای آسان تحلیل آماری با SPSS*. انتشارات هنگام، تهران، چاپ اول، ۱-۳۱۵.
- کریمی، سارا (۱۳۸۹). تأثیر کالبد شهری بر زیست اجتماعی. *هنر و معماری: جستارهای شهرسازی*، ۳۴(۳)، ۶۱-۶۳.
- کوزه‌گر کالجی، لطفعلی؛ دارابی، سجاد و رضویان، محمدتقی (۱۳۹۸). تحلیل کارکردی سیستم اتوبوسرانی از نگاه شهروندان (مطالعه موردی: شهر ایلام). *فصلنامه علمی فرهنگ ایلام*، ۲۰(۶۳)، ۲۹-۴۷.
- گلچین، مسعود؛ حسینی، محمدرضا، امامعلی زاده، حسین و عناصری، علی مراد (۱۳۹۵). تحلیل تجربی رابطه عوامل اجتماعی با گرایش به رفتارهای نوع‌دوستانه مورد مطالعه شهروندان همدان. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۶(۱۹)، ۸۵-۱۱۲.
- مبارکی، محمد و صلاحی، سمیه (۱۳۹۲). کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۳(۵۰)، ۲۷۵-۳۱۵.
- محمدزاده، رحمت (۱۳۸۹). بررسی نقش برنامه‌ریزی فیزیکی در کاهش آلودگی صوتی. *انسان و محیط‌زیست*، ۸(۲)، ۱-۱۲.
- محمدی زاده سماکوش، صمد؛ صبوری خسروشاهی، حبیب و رونقی نوتاش، مهناز (۱۳۹۷). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و هویت محله‌ای در شهر تهران (مورد مطالعه: محله‌های حصارک، وحیدیه و ولنجک). *تغییرات اجتماعی - فرهنگی*، ۱۵(۳)، ۱۱۸-۱۳۷.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *سرشماری نفوس مسکن*.
- مشیری، سید رحیم؛ رحمانی، بیژن و اسلامی راد، قربان (۱۳۹۳). مقایسه تطبیقی منظر بافت‌های شهر بر اساس شاخص‌های مبلمان شهری مطالعه موردی: شهر بهشهر. *جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، ۶(۱۹)، ۸۱-۹۸.

- معیدی فر، سعید (۱۳۷۹). تبیین جامعه‌شناختی تقدم مصالح فردی بر مصالح جمعی در ایران. تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ملکی، سعید و دامن باغ، صفیه (۱۳۹۶). واکاوی مفاهیم اخلاق و فرهنگ محیط زیستی از دیدگاه شهروندان مورد پژوهی: شهر اسلام‌آباد غرب. فصلنامه‌ی جغرافیا و مطالعات محیطی، ۶(۲۳)، ۴۱-۵۸.
- میرزایی، ابراهیم؛ احمدی، یعقوب؛ بخارایی، احمد و نایی، هوشنگ (۱۳۹۶). قانون‌گریزی و پیوندهای اجتماعی (مطالعه موردی: شهر اهواز). جامعه پژوهی فرهنگی، ۸(۳)، ۹۷-۱۲۳.
- ناطق پور، محمدجواد (۱۳۸۳). توسعه و تعلق اجتماعی با تأکید بر نقش شوراها‌ی اسلامی. رشد آموزش علوم اجتماعی، ۸(۲)، ۲۸-۳۲.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۱). تأملی در معنای شهر. روزنامه‌ی اعتماد، شماره ۲۴۸۲، صفحه ۱۲ اندیشه.
- نسترن، مهین؛ نوری، محمدجواد و ریخته‌گران، فریناز (۱۳۹۷). تبیین و ارزیابی معیارهای آسایش و آرامش در حمل‌ونقل همگانی درون‌شهری، مورد مطالعه: خط ۲۸ اتوبوس‌رانی کلان‌شهر اصفهان. دانش شهرسازی، ۲(۱)، ۱۰۵-۱۲۱.
- نصرتی‌نژاد، فرهاد؛ سراج‌زاده، سید حسین و دیهول، منصور (۱۳۹۸). تبیین جامعه‌شناختی رفتار زیست‌محیطی (مطالعه موردی: شهروندان تهرانی). فصلنامه‌ی توسعه‌ی پایدار محیط جغرافیایی، ۱(۳)، ۱-۲۱.
- نصیری خلیلی، محمدمهدی؛ زند مقدم، محمدرضا و دریاباری، سید جمال‌الدین (۱۳۹۹). نقش سرمایه اجتماعی در هویت بخشی محله‌ای از منظر کارکرد فضاها‌ی عمومی مطالعه موردی شهر ساری. مطالعات توسعه‌ی اجتماعی فرهنگی، ۹(۲)، ۱۴۳-۱۶۹.
- نوابخش، مهرداد؛ حاجیانی، ابراهیم و بهلول، سید محمدرضا (۱۳۹۱). بررسی و سنجش میزان هویت محله‌ای شهروندان تهرانی. فصلنامه‌ی مطالعات مدیریت شهری، ۴(۱۰)، ۱۵-۲۷.
- نوفل، سید علیرضا؛ کلبادی، پارین و پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸). بررسی و ارزیابی شاخص‌های مؤثر در هویت شهری نمونه موردی محله جلفا در شهر اصفهان. آرمان‌شهر، ۲(۳)، ۵۷-۶۹.

- هاشمیان فر، سید علی و عجمی، شهرزاد (۱۳۹۱). بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان. فصلنامه مطالعات شهری، ۲(۳)، ۲۰۹-۲۳۰.
- همتی، رضا و احمدی، وکیل (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن، مورد مطالعه: شهر ایوان. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۸(۱)، ۱۳۹-۱۸۳.
- وحیدآ، فریدون و نگینی، سمیه (۱۳۹۱). ساخت و اعتباریابی مقیاس هویت محله‌ای. مطالعات شهری، ۲(۲)، ۳۵-۵۸.
- ورسلی، پیتز (۱۳۸۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی نظم. ترجمه سعید معیدفر، جامعه‌شناسان، چاپ اول، تهران.
- یزدانی، محمدحسن؛ علی پور، ابراهیم و محمودی، ایوب (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل هویت محلات شهری با تأکید بر حس تعلق به مکان (مورد مطالعه: محلات سیزده‌گانه حاشیه شهر اردبیل). دو فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۶(۱۴)، ۹-۳۹.
- Alhosseini Almodarresi, S. M., Tabataba'i-Nasab, S. M., Bagheri Garabollagh, H., & Mohammadi, F. (2019). Does citizenship behavior have a role in changing attitude toward green products? *International Journal of Management Science and Engineering Management*, 1-9.
- Altman, I., & Wohlwill, J. F. (2012). *Human behavior and environment: advances in theory and research*. New York: Plenum Press.
- Aly, S. S. A. (2011). Modernization and regionalism: Approaches for sustainable revival of local urban identity. *Procedia Engineering*, 21, 503-512.
- Bottini, L. (2018). The effects of built environment on community participation in urban neighbourhoods: an empirical exploration. *Cities*, 81, 108-114.
- Cooper, D. D. (2014). *Learning in the Plural: Essays on the Humanities and Public Life*. MSU Press.
- Driskell, D., (2002). *Creating Better Cities with Children and Youth, A Manual for Participation*, London and New York, EARTHSCAN publication.
- Erdogan, B. D., & Ayatac, H. (2015). Assessment of urban identity characteristics in public places: A case study of Ortakoy Square. *A| Z ITU Journal of the Faculty of Architecture*, 12(1), 115-125.
- Fornara, F., Pattitoni, P., Mura, M., & Strazzer, E. (2016). Predicting intention to improve household energy efficiency: The role of value-belief-norm theory, normative and informational influence, and specific attitude. *Journal of Environmental Psychology*, 45, 1-10.

- Foth, Marcus (2004). Designing networks for sustainable neighbourhoods (A case study of a student apartment complex), <http://eprints.qup.edu.ac/archive/foth.pdf>.8-9.
- Geels, F. W., Schwanen, T., Sorrell, S., Jenkins, K., & Sovacool, B. K. (2018). Reducing energy demand through low carbon innovation: A sociotechnical transitions perspective and thirteen research debates. *Energy research & social science*, 40, 23-35.
- Goggins, G. (2018). Developing a sustainable food strategy for large organizations: The importance of context in shaping procurement and consumption practices. *Business Strategy and the Environment*, 27(7), 838-848.
- Janoski, T., & Compion, S. (2015). Citizenship, *Sociological Aspects of International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 655-661.
- Kayapak, S. (2010). Atakyanın kent kimliği açısından irdelenmesi *Mustafa Kemal Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, 7(14), 373-392.
- Lalli, Marco (1992). "Urban-Related Identity: Theory, Measurement, and Empirical Findings", *Journal of Environmental Psychology*, 285-303.
- Lin, H. Y., & Hsu, M. H. (2015). Using social cognitive theory to investigate green consumer behavior. *Business Strategy and the Environment*, 24(5), 326-343.
- Manning, C. (2009). The psychology of sustainable behavior: Tips for empowering people to take environmentally positive action. Minnesota Pollution Control Agency.
- Meshram, K., & O'Cass, A. (2013). Exploring civic engagement through seniors' good citizenship behavior within clubs. *Journal of Nonprofit & Public Sector Marketing*, 25(3), 256-283.
- Nguyen, X. P. (2019). The bus transportation issue and people satisfaction with public transport in Ho Chi Minh city. *Journal of Mechanical Engineering Research and Developments*, 42(1), 10-16.
- Nwachukwu, A. A. (2014). Assessment of passenger satisfaction with intra-city public bus transport services in Abuja, Nigeria. *Journal of Public Transportation*, 17(1), 99 -119.
- Oktay, D., & Bala, H. A. (2015). A holistic research approach to measuring urban identity: findings from Girne (Kyrenia) area study. *IJAR*. 9(2), 201-215.
- Ongul, Zehra. (2012). Analysing the City Identity of Nicosia from a Historical Perspective: External Effects, Solutions Proposed, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol.35, 284-292.
- Pirnes, E. (2009). Cultural policy in the sectoral trap - but how to escape it. *Nordisk Kulturpolitisk Tidskrift* 2/2009, 155-174.
- Qian, J. (2020). Urban Citizenship. *International Encyclopedia of Human Geography*, 33-37.
- Ranasinghe, G., Amarawickrama, S., & Rathnayake, R. (2016). A Study to Compare the Level of Walkability in Two Urban Neighborhoods of Sri

-
- Lanka. International Journal of Engineering Research and General Science, 4(1), 6-13.
- Riano, Y. (2011). Addressing Urban Fear and Violence in Bogotá through the Culture of Citizenship: Scope and Challenges of a Unique Approach. *EthniCities: Metropolitan Cultures and Ethnic Identities in the Americas*, 209-226.
 - Sadeque, S., Roy, S. K., Swapan, M. S. H., Chen, C. H., & Ashikuzzaman, M. (2020). An integrated model of city and neighborhood identities: A tale of two cities. *Journal of Business Research*, 117, 780-790.
 - Sahakian, M., & Dobigny, L. (2019). From governing behaviour to transformative change: A typology of household energy initiatives in Switzerland. *Energy Policy*, 129, 1261-1270.
 - Satir, S., & Korkmaz, E. (2005). Urban open spaces with examples & the classification of urban furniture. 2 (1/2), 130-141.
 - Stern, P. C. (2000). New environmental theories: toward a coherent theory of environmentally significant behavior. *Journal of social issues*, 56(3), 407-424.
 - Thøgersen, J. (2005). How may consumer policy empower consumers for sustainable lifestyles?. *Journal of consumer policy*, 28(2), 143-177.
 - Vigoda, E., & Golembiewski, R. T. (2001). Citizenship Behavior and the Spirit of New Managerialism. *The American Review of Public Administration*, 31(3), 273-295.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee *Advances in Sociological Urban Studies Journal*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

